



پہاٹھوہؤنک سؤو اتتالت
ؤارت وکب اور اؤو اؤو

اکمان چائسرا نگیز نوظہرور

جلداول

نویسنڈان:

چیمز آر. لوئیس و یسپر اوپور پترسون

مترجم:

زهره سعیدی

هوالبادی

ادیان چالش انگیز نو ظهور

جلد اول

جیمز آر. لوئیس و یسپر اوپور پترسون

مترجم

زهره سعیدی



عنوان و نام پدیدآور : ادیان چالش‌انگیز نوظهور / [ویراستاران] جیمز آر. لوئیس، یسپر اوپورپترسون ؛ مترجم زهره سعیدی.
 مشخصات نشر : تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۹ -
 مشخصات ظاهری : ج.
 شابک : ۴-۲۵۶-۲۵۵-۶۰۰-۹۷۸: دوره: ۱-۲۰-۴۵۲-۶۰۰-۹۷۸: ج: ۱؛
 ۷-۲۵۵-۶۰۰-۹۷۸: ج: ۲.

وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : عنوان اصلی: Controversial new religions, 2005.
 یادداشت : مترجم جلد دوم سمیه عبداللهی.
 یادداشت : چاپ قبلی: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵ (تغییر قطع).
 یادداشت : واژه‌نامه.
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : کیش‌ها
 موضوع : Cults
 شناسه افزوده : لوئیس، جیمز آر.، ۱۹۴۹ - م. ویراستار
 شناسه افزوده : Lewis, James R.
 شناسه افزوده : پترسن، یسپر اوپور، ویراستار
 شناسه افزوده : Petersen, Jesper Aagaard
 شناسه افزوده : سعیدی، زهره، ۱۳۵۲ - ، مترجم
 شناسه افزوده : پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
 رده بندی کنگره : BP۶۰۳
 رده بندی دیویی : ۲۰۹
 شماره کتابشناسی ملی : ۶۲۲۲۹۳۵



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
 عنوان: ادیان چالش‌انگیز نوظهور (جلد اول)
 نویسندگان: جیمز آر. لوئیس و یسپر اوپور پترسون
 مترجم: زهره سعیدی
 ویراستار: پروین حاجی‌پور
 طراح جلد: فریماه فاتحی
 صفحه‌آرا: حسین آذری
 نوبت چاپ: دوم - تابستان ۱۳۹۹
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قیمت دوره: ۷۰۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۱-۲۰-۴۵۲-۶۰۰-۹۷۸
 شابک دوره: ۴-۲۵۶-۶۰۰-۹۷۸

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
 در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
 صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

◦ دین و فرهنگ (۷)

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱
پیشگفتار	۳
درباره نویسندگان	۱۵
مقدمه	۲۳

بخش اول: گروه‌های درون سنت مسیحی

فصل اول: خانواده‌ای برای قرن بیست و یکم	۵۱
فصل دوم: مکاشفه روح و کلیسای اتحادی	۸۹
فصل سوم: بازسازی واقعیت: نظریه‌های توطئه درباره جانستون	۱۱۹
فصل چهارم: توضیح نظامی شدن در واکو: برساخت و هم‌گرایی روایت جنگ	۱۵۱

بخش دوم: گروه‌های آسیایی و الهام‌بخش از آسیا

فصل پنجم: شکل‌گیری خانواده و تغییر در جنبش هرکریشنا	۱۸۹
فصل ششم: هنگامی که رهبران از بین می‌روند	۲۱۵
فصل هفتم: سوکاگاکای: در جست‌وجوی جریان اصلی	۲۴۹
فصل هشتم: درآمدی انتقادی بر اوم شین‌ریکیو و حادثه اوم	۲۷۳
فصل نهم: فالون‌گونگ: جنبش دینی جدید در چین پسامائو	۳۴۳
فصل دهم: یادداشت‌هایی در باب دین اومیست	۳۷۷
واژه‌نامه انگلیسی به فارسی	۳۹۳

سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با هدف رفع نیازهای پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نزدیک به دو دهه است که با رویکرد مسئله‌محوری به دنبال شناخت مشکلات حوزه فرهنگ و هنر، شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و نیز توسعه قابلیت‌ها در مسیر تعالی فرهنگی کشور است.

این پژوهشگاه، با سه پژوهشکده فرهنگ، پژوهشکده هنر و پژوهشکده ارتباطات در تعامل و همکاری با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه فرهنگ و هنر، ضمن اجرا و نظارت بر طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، اقدام به برگزاری نشست‌ها، همایش‌های علمی، جلسات نقد و گفتگو و نیز جشنواره پژوهش فرهنگی سال می‌نماید.

علاوه بر این، دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه نیز، به‌عنوان متولی انجام مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، ضمن اجرای نظرسنجی‌های موردنیاز، به اجرای پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ مصرف کالاهای فرهنگی؛ سواد رسانه‌ای؛ وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران و سنجش سرمایه اجتماعی کشور اقدام می‌نماید.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تلاش دارد تا مجموعه دستاوردهای

پژوهشی خود را با هدف تحقق عدالت فرهنگی و دسترسی همه پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، منتشر نماید. از این رو انتشارات پژوهشگاه طی مدت فعالیت خود تاکنون، آثار پژوهشی متعدد و متنوعی را در قالب «کتاب»، «گزارش پژوهش»، «گزارش نظرسنجی» و «گزارش راهبردی» منتشر کرده است. پژوهشگاه همچنین، انتشار فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات فرهنگ ارتباطات» و نیز چاپ آثار برگزیده جشنواره فرهنگی سال را در کارنامه خود دارد.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ضمن استقبال، تعامل، همکاری و همفکری با استادان، نخبگان و پژوهشگران حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، امیدوار است با انتشار دستاوردهای پژوهشی خود بتواند به «مرجع پژوهش» در حوزه فرهنگ و هنر ایران و نیز پایگاهی برای اندیشمندان و دلسوزان این عرصه تبدیل شود.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

پیشگفتار

ادیان بدیع و چالش‌های آن‌ها

برای ما که در فرهنگ و جامعه‌ای زیسته‌ایم که در آن، پیوسته اسلام به‌مثابه آخرین دین معرفی شده است که پس از آن دیگر دینی نخواهد بود، بحث از ادیان بدیع ذهن‌آزار است. اما برای مخاطبِ چنین بحثی لازم است روشن کنیم که نگاه کلامی و الهیاتی با نگاه جامعه‌شناختی متفاوت است. به‌رغم نگاه اعتقادی‌اندیشانه، دین به‌مثابه یک امکان بشری پیوسته از سنت دینی پی‌روی نمی‌کند، بلکه استعداد دینی انسان می‌تواند از رهگذر تجربه‌های دینی و معنوی جدید، خود را عیان سازد و جنبش دینی جدید بیافریند.

امکان برخورداری از تجربه‌های دینی نوین، همچون امکان برخورداری از دیگر تجربه‌های باطنی است. همچنان که دیگر تجربه‌های باطنی در قلمروهای فرهنگی مختلف با نوآوری‌های مختلفی تازه به‌تازه می‌شوند، به‌رغم سیطره طولانی‌مدت سنت‌های دینی، باز هم تجربه‌های دینی نوینی زاده می‌شوند. هیچ سنتی نمی‌تواند وجود آدمی را یکسره به روی تجربه‌های تازه مسدود کند. صرف‌نظر از نوع ارزیابی ما درمورد این تجربه‌ها و الهی یا شیطانی خواندن آن‌ها، این تجربه‌ها پیوسته در تاریخ جوامع رخ می‌دهند. سنت‌ها

همواره منبع ارزش‌یابی برای نوآوری‌ها هستند و در بسیاری موارد آن‌ها را تخطئه می‌کنند، اما این امر هرگز زاده شدن تجربه‌های جدید را به کلی مسدود نمی‌کند. در تمام قلمروهای فرهنگی این پدیده مشاهده می‌شود. وقتی که کسی چون نیما یوشیج از شعر نو سخن می‌گوید، نیروهای حافظ سنت شعری مسلط در ایران در برابرش قد علم می‌کنند و سال‌ها تخطئه و مقاومت و مبارزه و نفی و انکار علیه این حرکت نوآورانه درمی‌گیرد. در عالم هنر (مثل موسیقی) و در عرفان و دیگر قلمروهای فرهنگی نیز این پدیده به کرات رخ داده و دیده شده است.

در جهان دینی نیز وقوع انبوه جنبش‌های دینی بدیع مؤید گشودگی وجود بشری به روی تجربه‌های دینی جدید و مؤید ایده دین به‌مثابه یک امکان بشری است. من تعبیر «دیع» را به‌جای واژه‌های «تازه»، «جدید»، «نوین» و «نوظهور» به‌کار می‌برم تا با این واژه، هم معنی نو بودن این جنبش‌های دینی را منعکس سازم و هم بدعت‌آمیز بودن و چالش‌برانگیز بودن آن را در برابر سنت‌های دینی مسلط در جامعه بیان کنم. به‌علاوه، در آثار مربوط به این پدیده‌های دینی، تعبیر «جنبش دینی بدیع قدیمی»^۱ نیز دیده شده است؛ لذا به‌لحاظ منطقی و ادبی نیز نمی‌توان از «جنبش دینی جدید قدیمی» سخن گفت!

زمینه اجتماعی مساعد برای ظهور جنبش‌های دینی بدیع

جنبش‌های دینی بدیع در ایران نیز در قرون متمادی روی داده‌اند. اما به‌دلیل اینکه هنوز سنت‌های دینی در ایران نیرومندند و هنوز بخش زیادی از افراد به‌نحو دینی جامعه‌پذیر می‌شوند، چندان چالش‌برانگیز نشده‌اند. البته در ایران معاصر، به‌دلیل تضعیف روزافزون جامعه‌پذیری دینی و افول اعتبار تفکر دینی سنتی و کارگزاران رسمی دین سنتی، وضع به‌سرعت در حال تغییر است و ما با گونه‌هایی از جنبش‌های دینی بدیع مواجه شده‌ایم. لذا می‌توان انتظار داشت که در چند دهه آینده، ما شاهد سر برآوردن انواع جنبش‌های دینی بدیع باشیم.

1. old new religious movement

وضع در جوامع مدرن و به‌ویژه در آمریکا، با وضع ما بسیار متفاوت است. بسیاری از کودکان در جوامع مدرن به‌نحو دینی تربیت نمی‌شوند. بسیاری از آنان چه بسا در جوانی و بزرگسالی، خود باید چتر اعتقادی-معنوی خود را برگزینند و بر سر بگیرند. در ایران هنوز کنترل خانوادگی و خویشاوندی در قیاس با این جوامع بر افراد بسیار بیشتر است؛ اگرچه از این نظر، وضع در ایران نیز در حال تغییر است. اما در جوامع غربی برخلاف ایران که فرد تا چهل یا حتی پنجاه‌سالگی هنوز از نظر برخی والدین، فرزند خانواده تلقی می‌شود (و هنوز بسیاری از والدین تا چندین دهه خواهان اعمال کنترل بر اعضای خانواده - به‌خصوص کنترل بر دختران - هستند)، جوانان از آغاز جوانی و چه بسا در سال‌های انتهایی نوجوانی در جهت مستقل شدن از خانواده گام برمی‌دارند. این امر حتی در خانواده‌های متدین نیز دوره جامعه‌پذیری دینی از سوی خانواده را محدود می‌کند. لذا جوانان در جوامع غربی از آغاز جوانی واجد تجربه‌های متنوع می‌شوند و در معرض ارتباط با گروه‌های مختلف قرار می‌گیرند. در ایران، ما خانواده‌هایی را می‌شناسیم که والدین در دهه چهارم زندگی فرزندانشان هنوز برای آنان تصمیم می‌گیرند. لذا جوانان ایرانی معمولاً بعد از سپری کردن دوره جوانی به استقلال از خانواده نائل می‌شوند و بسیاری از آن‌ها به‌ویژه دختران، یکی از دلایل ازدواجشان را تمناي مستقل شدن از خانواده ذکر می‌کنند. هنوز در ایران زندگی مجردی دختران، نه از طرف خانواده‌ها و نه از طرف دولت و نه از نظر عرف جامعه، به رسمیت شناخته نشده است.

اما در جوامع مدرن، جوانان اغلب در انتهای دهه دوم زندگی‌شان مستقل شدن را تجربه می‌کنند. فقدان جامعه‌پذیری دینی یا جامعه‌پذیری دینی بسیار کوتاه‌مدت، آن‌ها را از نظر دینی یله بار می‌آورد. لاجرم افراد خود می‌باید در وقتی که نیازهای معنوی‌شان حاد می‌شود و یا وقتی که کششی معنوی در آنان ایجاد می‌شود، به این مطالبه درونی برحسب امکانات موجود و دسترس‌پذیری گروه‌ها و مکاتب دینی و معنوی پاسخ دهند. آنانی که دچار

بحران هویت‌اند یا خلاً معنوی را تجربه می‌کنند، ناچار می‌باید راهی برگزینند و این راه معمولاً همان راه‌های در دسترس است.

این‌گونه نیست که افراد از میان انبوه مکاتب و گروه‌های دینی و پس از دوره‌ای از پژوهش و جست‌وجوگری دست به انتخاب بزنند. در عالم دیانت، جست‌وجوگری در معنی حقیقی کلمه، امری نادر است. البته به تعبیر جامعه‌شناسانی چون برگر و یا جامعه‌شناسان اقتصادگرای دین، در این‌گونه جوامع، بازاری دینی وجود دارد که فرد به دلیل عدم تقید به سنت دینی خاصی، می‌تواند از این بازار دینی، چتر اعتقادی-معنوی خود را ابتیاع کند. اما خطاست اگر تصور کنیم که این ابتیاع کردن از بازار دینی، بر مدتی طولانی از زیست جست‌وجوگرانه و محققانه مبتنی است. روی‌آوری آدمی به چیزی به‌ویژه ادیان هم دلایلی می‌خواهد و هم عللی دارد. برخلاف تصور ابتدایی، نوگروری دینی^۱ بیش از آنکه مدلل (مبتنی بر دلایل) باشد، معلل (ناشی از علل) است. در ایران، ما هنوز به این مرحله نائل نشده‌ایم. نه افراد الزاماً بی‌تقید به سنت دینی‌اند و نه بازار دینی آزاد وجود دارد. اگرچه جامعه‌پذیری دینی در ایران در قیاس با چندین دهه گذشته، به سرعت در حال ضعیف شدن است؛ هنوز جامعه‌پذیری دینی فرد در ایران دوره بلندمدت‌تری دارد.

محور دیگری که باید در باب جریان‌های دینی بدیع بدان توجه کنیم، تمایز میان بنیان‌گذاران دینی جنبش‌های دینی و پیروان و پیوستگان به این جنبش‌هاست. هریک از این افراد داستانی دارند که می‌باید در مطالعه این‌گونه جنبش‌ها بدان توجه داشت. معمولاً احوال بنیان‌گذاران با احوال پیروان متفاوت است. بنیان‌گذاران تجربه‌های خاص خود را سپری می‌کنند که به تاریخ زندگی شخصی‌شان مربوط است. وقتی داستان زندگی آنان را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که اغلب آنان دانش تخصصی حوزه دینی را نیاموخته‌اند یا چنین دوره‌ای را نیمه‌کاره رها کرده‌اند. آن‌ها اغلب مسیرهای مختلفی را آزموده‌اند و با جامعه پیرامونی واگرایی‌هایی داشته‌اند. چیزی در زندگی آنان

1. religious conversion

هست که آن‌ها را از بقیه جدا می‌کند. در لحظاتی از زندگی احوالاتی ویژه و انکشافاتی درونی را تجربه می‌کنند. ممکن است از چشم دیگران دیوانه یا دست‌کم نابهنجار به‌نظر برسند، اما در درون دچار تجربه‌های باطنی خاص خودآند و همان تجربه‌های باطنی، مهار وجودشان را به‌دست می‌گیرد.

اما هم بنیان‌گذاران و هم پیروان جنبش‌های دینی بدیع، از این جهت که دوره‌هایی از بحران و نقطه عطف در زندگی‌شان وجود دارد، اشتراک دارند. همه آنان نوگروری را تجربه می‌کنند. تفاوت در این است که بنیان‌گذار از رهگذر تجربه‌ای باطنی نوگرونده می‌شود و پیروان، به‌واسطه تجربه دینی بنیان‌گذار، نوگرونده می‌گردند. لذا برای فهم و تبیین شکل‌گیری و گسترش این‌گونه جریان‌های دینی بدیع، می‌باید احوال شخصی بنیان‌گذاران و گروندگان به آن‌ها و تاریخ زندگی شخصی‌شان بررسی شود. دیدگاه‌های سیاسی توطئه‌نگرانه و دیدگاه‌های روان‌شناختی مبتنی بر ایده مغزشویی به‌نحو درون‌ماندگار به این‌گونه پدیده‌ها نمی‌پردازند و لذا ناتوان از تبیین و تفهم جنبش‌های دینی بدیع هستند. به‌ویژه مهم است بررسی شود که آیا بنیان‌گذار و پیروان وی پیش‌تر به سنتی دینی تعلق داشته‌اند یا نه و اگر تعلق داشته‌اند، طی چه فرایندی از آن بریده‌اند. بررسی تاریخ زندگی شخصی از طریق روش تحلیل روایت برای فهم و تبیین شکل‌گیری این جریان‌ها و جنبش‌های دینی بدیع اهمیتی اساسی دارد. جامعه‌شناسان و محققانی که این جنبش‌های دینی بدیع را بررسی کرده‌اند، معمولاً پیوند وثیقی بین اوضاع اجتماعی و روند تحول آن‌ها برقرار می‌کنند. اما هم مطالعه درون‌نگرانه و توجه به آموزه‌ها و هم مطالعه برون‌نگرانه و جامعه‌شناختی و درکنار هم قرار دادن مجموعه علل و دلایل برای فهم و تبیین دقیق‌تر آن‌ها ضرورت دارد. به‌گمان من، برای مطالعه یک جنبش دینی بدیع بهتر است بین چند مرحله در تاریخ یک جنبش تمایز قائل شویم: تجربه‌های آغازین بنیان‌گذار و زایش اولیه جنبش دینی بدیع، عمومی شدن جنبش، نهادی شدن جنبش، جهت‌گیری اجتماعی آغازین جنبش در قبال نظم اجتماعی-سیاسی موجود،

جهت‌گیری اجتماعی ثانوی جنبش در قبال نظم اجتماعی-سیاسی و حیات جنبش دینی پس از بنیان‌گذار و رهبر اولیه و پدیده بازسازمان‌دهی جنبش در این مرحله. نکته جالب توجه این است که پویایی زندگی دینی و معنوی رهبر جنبش معمولاً به خود جنبش منتقل می‌شود و جنبش را متحول می‌کند. تاریخ جنبش‌های دینی بدیع پیوندی تنگاتنگ با روند تحول زندگی رهبران‌شان دارد. حیات اجتماعی و فکری یک جنبش دینی بدیع معمولاً با تحولات فکری و روانی رهبران‌شان گره خورده است.

ویژگی‌های جنبش‌های دینی بدیع

وقتی به مطالعه جنبش‌های دینی بدیع می‌پردازیم، معمولاً در میان آن‌ها برخی ویژگی‌های مشترک پیدا می‌کنیم. برخی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

(۱) **رهبر کاریزماتیک:** نخستین ویژگی این جنبش‌ها برخورداری از رهبران کاریزماتیک است. جاذبه‌های شخصیتی این رهبران سبب جذب پیروان می‌شود و اغلب نوعی مرجعیت‌گرایی و دگرسالاری حول رهبر جنبش شکل می‌گیرد و رشد اولیه جنبش - چه در عصر مدرن و چه در عصر ماقبل مدرن - به شدت به این امر وابسته است. بعد از مرگ رهبر یا پس از رشد چشم‌گیر جنبش همین امر، یعنی وفاداری به رهبر یا عدم وفاداری به او، اغلب به منبعی از تنش در جنبش بدل می‌شود؛

(۲) **آمیزه‌گرایی، گلچین‌گری و تلفیقی بودن:** دومین ویژگی بسیاری از این جنبش‌ها - باز هم چه در عصر مدرن و چه در اعصار گذشته - آمیزه‌گراییانه بودن آن‌هاست. یکی از تمایزهای جدی این جنبش‌ها با جنبش‌های دینی بنیان‌گذاران ادیان توحیدی نظیر یهودیت، دین زردشت، مسیحیت، دین صابئی و اسلام دقیقاً در همین امر است. در جنبش‌های دینی بدیع، ترکیبی از آموزه‌ها، مأخوذ از ادیان و مکاتب عرفانی و معنوی مختلف، دیده می‌شود. این ویژگی، از یک سو، جاذبه این جنبش‌ها را نزد پیروان بیشتر می‌کند؛ زیرا معمولاً ادعا می‌شود که نظام فکری‌ای که جنبش ارائه می‌کند کامل است و

چنین ادعایی برای برخی از پیروان، جاذبه جنبش را افزایش می‌دهد. وانگهی، این آموزه‌های تلفیقی مأخوذ از منابع مختلف، در جهان متکثر امروزی که افراد خاستگاه‌های فکری و اجتماعی مختلفی دارند، به جنبش امکان جذب افراد متنوعی را می‌دهد و هرکسی ممکن است از جنبه‌ای خاص با جنبش دینی بدیع و نظام فکری آن پیوند برقرار کند. از سوی دیگر، همین ویژگی آن‌ها را در برابر نقدهای جدی مخالفان، دست‌کم به لحاظ فکری آسیب‌پذیر می‌کند و اصالت آن را در نزد اذهان مختلف مخدوش می‌سازد؛

۳) علمی‌نمایی جنبش‌های دینی بدیع: از ویژگی‌های دیگر جنبش‌های دینی بدیع در عصر ما این است که چون همگی در عصری ظهور یافته‌اند که علم از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است، اغلب می‌کوشند آموزه‌های خود را مطابق آخرین دستاوردهای علمی معرفی کنند. آن‌ها می‌کوشند ادعاها و آموزه‌های خود را بر مبنای دستاوردهای علوم انسانی، به‌ویژه روان‌شناسی، و نیز دستاوردهای علوم طبیعی نظیر زیست‌شناسی و فیزیک (و دیگر علوم) به‌نحو علمی موجه‌سازی کنند و از این طریق، مشروعیتی برای خود دست‌وپا کنند و دست‌کم در مقام ادعا، خود را از تفکر دینی سنتی و متافیزیکی و اندیشه‌های اسطوره‌ای متمایز سازند. در واقع، اغلب جنبش‌های دینی بدیع در عصر مدرن از علم به‌نحو ابزاری استفاده می‌کنند و وسیع‌ترین نمونه ابزاری شدن علم، در این جنبش‌ها رخ می‌دهد؛

۴) سویه توان‌بخشی و درمان‌گری: انسان عصر مدرن نیز (همچون انسان عصر ماقبل مدرن) از انبوهی ناتوانی‌ها و نارسایی‌ها و کمبودها رنج می‌برد. در زندگی انسان مدرن نیز انواع مشکلات و حرمان‌ها وجود دارد و او نیز از فقدان برخی چیزها در رنج است. یکی از ویژگی‌های مشترک جنبش‌های دینی بدیع در عصر مدرن ارائه خدمات (یا دست‌کم ادعای ارائه خدمات) توان‌بخشانه و درمانی است. به‌عنوان مثال، پزشکی مدرن از درمان بسیاری بیماری‌ها عاجز مانده است. همین موقعیت بستر مساعدی را برای جنبش‌های دینی بدیع فراهم می‌سازد تا خدمات درمانی ارائه کنند.

در عصر مدرن، بسیاری از افراد از مشکلات روانی یا ارتباطی در رنج‌اند و این جنبش‌ها در این حوزه‌ها نیز خدماتی ارائه می‌کنند و یا مدعی ارائه چنین خدماتی هستند. همین امر امکان رشد سریع این جنبش‌های دینی بدیع را فراهم می‌آورد. هر قدر که این جنبش‌ها در ارائه خدمات توان‌بخشانه و درمانی توان‌تر باشند، در جذب نیروهای بیشتر، کامیاب‌تر و موفق‌ترند. این توانمندسازی‌گاه نیز معطوف به ایجاد شغل و تحرک اجتماعی برای افراد است و وجه اقتصادی نیز پیدا می‌کند؛

(۵) گرایش به دانش‌ها و فنون غریبه و خفیه^۱ در جنبش‌های دینی بدیع:
 به‌رغم زندگی در عصر مدرن و رشد علم‌گرایی در آن، هنوز کثیری از افراد در جوامع مختلف به امور غریبه و خفیه سخت علاقه‌مندند و کنجکاوی ویژه‌ای در باب آن‌ها دارند. جذابیت این‌گونه امور نزد بخش زیادی از مردم، سبب جذب آن‌ها به جنبش‌های دینی بدیع می‌شود؛ زیرا بسیاری از این جنبش‌ها مدعاهایی را در باب قدرت‌های کیهانی و معنوی و پدیده‌های رازآمیز جهان ارائه می‌کنند و دانش‌ها و فنون غریبه و خفیه را به‌نحو چشم‌گیری دنبال و ارائه می‌نمایند و مدعی‌اند که از این رهگذر می‌توانند به پیروان، قدرت‌هایی ویژه اعطا کنند و بسیاری از مشکلات و بیماری‌ها و حرمان‌های آن‌ها را درمان نمایند. البته تلاش می‌شود این گرایش در جنبش‌های دینی بدیع نیز به‌نحوی علمی‌سازی^۲ شود و جاهت علمی پیدا کند؛

(۶) واجد بودن اندیشه آخرالزمانی: برخلاف ادیان توحیدی که بر رستاخیز تأکید می‌کنند و چه بسا آن را قریب‌الوقوع می‌دانند، اغلب جنبش‌های دینی بدیع در مرحله‌ای از مراحل خود (به‌ویژه در مرحله جهت‌گیری اجتماعی ثانویه در قبال نظم اجتماعی-سیاسی موجود)، اندیشه‌های آخرالزمانی ارائه می‌کنند و وقوع عن‌قریب آخرالزمان را خبر می‌دهند. اغلب آن‌ها اعلام می‌کنند که فاجعه‌ای کیهانی در راه است و تنها کسانی که به جهان اجتماعی

1. occultism

۲. اگر بخواهیم انتقادی سخن بگوییم، می‌توانیم از واژه علم مالی بهره ببریم.

کوچک جنبش (میکروکوسم اجتماعی^۱) پیوسته‌اند، نجات خواهند یافت و دیگران از بین خواهند رفت و جهان از وجود ناپاک و فاسد آن‌ها پاک و مبرا خواهد شد. چه بسا آن‌ها اقداماتی را نیز برای مصون ماندن از فاجعه کیهانی توصیه می‌کنند و گاه برخی از آن‌ها به همین دلیل مهاجرت یا خودکشی دسته‌جمعی را به پیروان پیشنهاد می‌کنند و آن را عملی می‌سازند.

ویژگی‌های مذکور، برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک بین جنبش‌های دینی بدیع در عصر مدرن است. ممکن است این ویژگی‌ها در همه این جنبش‌های دینی بدیع به یک اندازه برجسته نباشند، اما در اغلب آن‌ها به‌نحوی موجودند.

جامعه‌شناسان دین به‌درستی تأکید کرده‌اند که جنبش‌های دینی بدیع، آزمایشگاهی جامعه‌شناختی برای مطالعه دین هستند و به ما این فرصت را می‌دهند تا از رهگذر مطالعه آن‌ها، بصیرت‌هایی درباب پیدایش و رشد و تحول همه ادیان پیدا کنیم. کتاب حاضر نیز دربردارنده دستاوردها و نتایج مجموعه‌ای از مطالعات و پژوهش‌ها درباب جنبش‌های دینی بدیع است و از غنی‌ترین و جدی‌ترین و محققانه‌ترین آثار موجود به زبان فارسی درباب این موضوع است. اطلاعات و داده‌های مندرج در یکایک فصول این اثر ناظر به داستان جنبش‌های دینی بدیع و زمینه اجتماعی‌ای است که این جنبش‌ها در آن زاده شده، رشد کرده و تحول یافته‌اند. وجه مشترک تمامی فصول این کتاب این است که همگی نشان می‌دهند که چگونه هریک از این جنبش‌ها با نظم اجتماعی-سیاسی موجود در جامعه خود دچار چالش و درگیری شده‌اند و این درگیری تا کجا ادامه یافته است. تمامی فصول این کتاب نشان می‌دهند که چگونه نظام‌های حاکم و فعالیت‌های ضدکیش گروه‌های مدنی، به بسته شدن فضا برای ادامه فعالیت و دشوار شدن ادامه حیات آن‌ها منجر شده‌اند و راه‌های مقابله‌ای که این جنبش‌های دینی بدیع در این وضع دنبال کرده‌اند، چه بوده است.

این کتاب آکنده از مباحث تخصصی و اطلاعات اختصاصی مربوط به جنبش‌های دینی بدیع و زمینه اجتماعی آن‌هاست. لذا ترجمه آن بسیار دشوار بوده است؛ زیرا مترجمان در ترجمه چنین اثری پیوسته با نام‌ها و اصطلاحات ویژه سروکار دارند و در برگرداندن این نام‌ها و اصطلاحات غریب و نامأنوس در تردید به‌سر می‌برند و می‌باید به آثار و فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های گوناگون مراجعه کنند تا بلکه بتوانند آن‌ها را به‌نحو مطلوبی به زبان مقصد برگردانند. از این‌رو، به‌عنوان ویراستار متن فارسی این کتاب^۱ و به‌عنوان محقق در حوزه جامعه‌شناسی دین و نیز به‌عنوان کسی که آثاری به زبان فارسی ترجمه کرده و دشواری‌های کار ترجمه را درمی‌یابد، همت و اراده ایشان را ستایش می‌کنم. ویژگی مهم این ترجمه - برخلاف بسیاری از آثاری که به زبان فارسی ترجمه می‌شوند - امانت‌داری در خور توجه و ستودنی مترجمان محترم است. ایشان هر جا چیزی به متن افزوده‌اند، آن را در داخل قلاب قرار داده‌اند. ما می‌دانیم که بسیاری از مترجمان ایرانی - حتی برخی از معروف‌ترین مترجمان در علوم اجتماعی - عبارات و پاراگراف‌هایی را که در نمی‌یابند، از متن حذف می‌کنند. آن‌ها برای واژگان تخصصی، واژه‌نامه تدوین نمی‌کنند؛ لذا مخاطب در نمی‌یابد که چگونه معادل‌گذاری کرده‌اند. اما مترجمان محترم این کتاب با شهامت و جسارت و از روی تعهد اخلاقی و تخصصی، در انتهای هر فصل یا در پای هر صفحه واژه‌های مهم را درج کرده‌اند تا در فهم دقیق‌تر متن به مخاطبان یاری رسانند.

باری، این اثر یکی از بهترین و بی‌طرفانه‌ترین آثاری است که در زبان فارسی در باب جنبش‌های دینی بدیع موجود است و دین‌پژوهان، جامعه‌شناسان دین و دانش‌جویان و محققان علاقه‌مند به رشته جامعه‌شناسی دین از مطالعه آن بی‌نیاز نیستند. همت و دقت زیادی که مترجمان محترم در این کار از خود نشان داده‌اند، ما را به ادامه فعالیت‌های ایشان در این حوزه مطالعاتی امیدوار می‌سازد. امیدوارم مترجمان گرامی و ارجمند، خانم

۱. من فقط متن فارسی را خوانده و برای اصطلاحات و عبارات و نام‌ها، پیشنهادهایی به مترجمان محترم داده‌ام، اما متن ترجمه را - به‌رغم درخواست و لطف خانم دکتر سعیدی - با متن اصلی مقابله نکرده‌ام. مترجمان محترم البته در اعمال نظرات بنده مختار بوده‌اند.

دکتر زهره سعیدی و خانم دکتر سمیه عبداللهی، در آینده نزدیک آثار متعدد دیگری را در حوزه جامعه‌شناسی دین و دین‌پژوهی ترجمه کنند و همه ما را در این حوزه‌های مطالعاتی بیش‌ازپیش مدیون تلاش‌های خود سازند. اهل فرهنگ و دانش در ایران می‌دانند که چنین کوشش‌هایی چه مایه آدمی را دچار زحمت می‌کند و جز اجر معنوی، متأسفانه دستاورد مادی درخور و قابل‌اعتنایی ندارند. لاجرم، به سهم خود از این همه تلاش‌قدردانی می‌کنم و آرزوی توفیق و کامیابی روزافزون ایشان را دارم.

حسن محدّثی گیلوایی

فروردین ۱۳۹۹

دربارۀ نویسندگان

جیمز ای. بورلی^۱، معاون رئیس مؤسسه مطالعات دینی آمریکا در سانتا باربارا^۲ کالیفرنیا^۳ و استاد مدرسه دینی تیندل^۴ در تورنتوی کانادا است. وی ویرایشگر ارشد کتاب در دست چاپ «دایرةالمعارف ادیان»^۵ هارپر کالینز^۶ در کانادا و نویسنده کتاب در دست چاپ «راهنمای مبسوط ادیان»^۷ نلسون^۸ است. او همچنین به عنوان معاون ویراستار در [تدوین] کتاب «ادیان جهان»^۹ ملتون^{۱۰} و بومن^{۱۱} فعالیت داشته و سه کتاب درباره اسلام و دو کتاب درباره مسیحیت کاریزماتیک نوشته است.

-
1. James A. Beverley
 2. Santa Barbara
 3. California
 4. Tyndale
 5. Encyclopedia of Religions
 6. Harper Callins
 7. Illustrated Guide to Religions
 8. Nelson
 9. Religions of the World
 10. Melton
 11. Bauman

جیمز دی. چنسلورا، دارای مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه نبراسکا^۱، استادی‌الهیات^۲ از مدرسهٔ دینی الهیاتی باپتیست جنوبی و دکتری از دانشگاه دوک^۳ در رشتهٔ تاریخ دین است. وی از سال ۱۹۹۲ به‌عنوان استاد کرسی دلبیو^۴. کاروره ادیان جهان در مدرسهٔ دینی الهیاتی باپتیست جنوبی فعالیت داشته است. وی نویسندهٔ کتاب «زندگی در خانواده: تاریخ شفاهی فرزندان خداوند»^۵ است. دورت رفسلاند کریستین سن^۶، دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری در [رشتهٔ] علم دین از دانشگاه آرهوس^۷ است. وی در بخش مطالعات دین دانشگاه آرهوس، بخش فلسفه و دین دانشگاه دانمارک جنوبی، اودنزه^۸ و بخش تاریخ ادیان دانشگاه کپنهاک^۹ به تدریس اشتغال داشته است. وی در سال ۲۰۰۴، بورسیهٔ دورهٔ فوق دکتری را از شورای تحقیقاتی دانمارک برای پروژهٔ «دین در فرهنگ عامه و زندگی روزمره: دین در گذر»^{۱۱} دریافت کرد. جورج دی. چریسید^{۱۲} در دانشگاه گلاسکو^{۱۳} در مقطع کارشناسی تحصیل و مدرک دکترایش را از دانشگاه آکسفورد کسب کرد. وی در حال حاضر رئیس [مرکز] مطالعات ادیان در دانشگاه ولورهمپتون^{۱۴} است. او نوشته‌های زیادی دربارهٔ جنبش‌های دینی جدید دارد. کتاب‌هایش شامل «ظهور سان میونگ مون»^{۱۵}، «کشف ادیان جدید»^{۱۶} و «لغت‌نامهٔ تاریخی جنبش‌های دینی

1. James D. Chancellor

2. Nebraska

3. M.Div [Master of Divinity]

4. Duke

5. W.o.carver

6. Life in the Family: An Oral History of the Children of God

7. Dorth Refslund Christensen

8. Aarhus

9. Odense

10. Copenhagen

11. Religion in Popular Culture and Everyday Life: Religion in Transformation

12. George D. Chrystides

13. Glasgow

14. Wolverhampton

15. The Advent of Sun Myung Moon (Macmillan, 1991)

16. Exploring New Religions (Cassell, 1999)

جدید»^۱ است. وی در مجله‌های دانشگاهی پُرشماری مشارکت داشته و دست به ویرایش مجموعه‌هایی [نیز] زده است.

ماتیاس گاردل^۲ در [حوزه] تاریخ ادیان در دانشگاه استکهلم^۳ سوئد دانشیار است. آثار منتشرشده او عبارت‌اند از: «به نام الیجا محمد [ص]: لوئیس فراخوان و امت اسلام»^۴، «خطر سقوط: نژادپرستان، جدایی‌طلبان و درگیری‌های فرهنگی آمریکا»^۵، «خدایان خون: احیای شرک و جدایی‌طلبی سفید»^۶.

ماریسون اس. گلدمن^۷، استاد جامعه‌شناسی و مطالعات دینی در دانشگاه اورگن^۸ است. کتاب‌های او عبارت‌اند از: «جویندگان طلا و معدنچیان نقره»^۹ و «سفرهای پُرشور: چرا زنانِ موفق به کیش پیوستند»^{۱۰}. تحقیق فعلی او درباره مؤسسهٔ اسالن^{۱۱} و روحیات مذهبی مردان است.

گیل ام. هارلی^{۱۲}، مدرک دکترایش را در رشتهٔ تاریخ دین و علوم انسانی از دانشگاه ایالتی فلوریدا^{۱۳} اخذ کرد. وی در حال حاضر به تدریس در دانشگاه فلوریدای جنوبی – بخش مطالعات ادیان – اشتغال دارد. او نویسندهٔ کتاب‌های: «اما کورتیس هاپکینز: پایه‌گذار فراموش‌شدهٔ تفکر جدید»^{۱۴} و «باورهای هندو و سیک در آمریکا»^{۱۵} است.

1. Historical Dictionary of New Religious Movements (Scarecrow Press, 2001)

2. Mattias Gardell

3. Stockholm

4. In the Name of Elijah Muhammad: Louis Farrakhan and the Nation of Islam (Duke University Press, 1996)

5. Rasrisk: Rastister, separatister och amerikanska kulturkonflikte (Stockholm: Natur & Kultur, 2003 [1998])

6. Gods of the Blood: The Pagan Revival and White Separatism (Duke University Press, 2003)

7. Marison S. Goldman

8. Oregon

9. Gold Diggers and Silver Miners (University of Michigan Press, 1982)

10. Why Successful Women Joined a Cult (University of Michigan Press, 1999)

11. Esalen

12. Gail M. Harley

13. Florida

14. Emma Curtis Hop-kins: Forgotten Founder of New Thought (Syracuse University Press, 2002)

15. Hindu and Sikh Faiths in America (Facts on File, 2003)

روبرت کیسالا، عضو مؤسسه نانزان،^۲ [مؤسسه‌ای در حوزه] دین و فرهنگ و استاد مطالعات دینی در دانشگاه نانزان ناگویای^۳ ژاپن است. آثار منتشرشده او عبارت‌اند از: «پیامبران صلح: صلح‌خواهی و هویت فرهنگی در ادیان جدید ژاپن»^۴ و «مذهب و بحران اجتماعی در ژاپن: فهم جامعه ژاپنی از طریق حادثه اوم»^۵. جیمز آر. لوئیس^۶، مدرس فلسفه در دانشگاه ویسکانسین - میلواکی^۷ است. آثار منتشرشده اخیر او عبارت‌اند از: کتاب «راهنمای جنبش‌های دینی جدید آکسفورد»^۸، «دانشنامه مرجع ادیان یو اف ا»^۹ و کتاب «موجه‌سازی ادیان جدید»^{۱۰}. ربه‌کا مور^{۱۱}، دانشیار مطالعات دینی در دانشگاه ایالتی سن‌دیه‌گو^{۱۲} است. تخصص فعلی وی [در حوزه] جنبش‌های دینی جدید، با تمرکز بر گروه معبد مردم و جامعه آرمانی آن، جانستون^{۱۳}، است که باکشتار - خودکشی‌های دسته‌جمعی در نوامبر ۱۹۷۸ پایان رسید. او و همسرش، فیلدینگ گهی سه^{۱۴}، پنج کتاب و تعداد زیادی مقاله نوشته و منتشر کرده‌اند. دکتر مور، وبسایتی را از منابع موجود درباره معبد مردم به نشانی <http://Jonestown.sdsu.edu> راه‌اندازی کرده است. دیوید اونبی^{۱۵}، استاد تاریخ و مدیر مطالعات آسیای شرقی در دانشگاه دی مونترال^{۱۶} در شهر مونترال کانادا است. او آثار زیادی درباره تاریخ اجتماعات

1. Robert Kisala

2. Nanzan

3. Nagoya

4. Prophets of Peace: Pacifism and Cultural Identity in Japan's New Religions (University of Hawaii Press, 1999)

5. Religion; Social Crisis in Japan: Understanding Japanese Society through the Aum Affair (edited with Mark Mullins, Palgrave, 2001)

6. James R. Lewis

7. Wisconsin - Milwaukee

8. The Oxford Handbook of New Religious Movements (Oxford, 2004)

9. The Encyclopedic Sourcebook of UFO Religions (Pro-metheus Books, 2003)

10. Legitimizing New Religions (Rutgers University Press, 2003)

11. Rebecca Moore

12. San Diego

13. Joneston

14. Fielding McGehee III

15. David Ownby

16. De Montral

مخفی و ادیان پُرطرف‌دار در چین به چاپ رسانده است و در حال حاضر در حال تکمیل اثری درباره فالون گونگ^۱ است.

سوزان پالمر^۲، استادیار دانشگاه کونکوردیا^۳ و استاد ثابت در دانشگاه داوسون^۴ است که هر دو دانشگاه در مونترال کبک^۵ واقع شده‌اند.

وی بیش از شصت مقاله و هشت کتاب درباره جنبش‌های دینی جدید – از جمله کتاب «دین یو اف اُ رائل: رقابت و شبیه‌سازی در عصر آخرالزمان»^۶ – نوشته یا ویرایش کرده است.

یسپر اویور پترسون^۷، دارای مدرک کارشناسی ارشد و دستیار آموزش در دانشگاه کپنهاگ^۸ – بخش تاریخ ادیان – است. وی به‌همراه جیمز آر. لوئیس ویرایشگر دانشنامه «مرجع شیطان‌پرستی»^۹ است و شماره ویژه مجله سیزیگ^{۱۰} را درباره شیطان‌پرستی مدرن ویرایش کرده است (۲۰۰۲).

مارتین رپ^{۱۱}، رئیس تحصیلات تکمیلی مطالعات پیورلند دانشگاه ریوکوکو (کیوتو)^{۱۲} است و از سال ۱۹۹۱، سردبیر^{۱۳} مجله «ادیان ژاپنی» بوده است. وی پژوهش‌های گسترده‌ای درباره واقعه اوم شین‌ریکیو^{۱۴} و اوم^{۱۵} انجام داده که در چند مقاله و یک کتاب به چاپ رسیده است. وی همچنین در دانشگاه‌های دوشیشا^{۱۶} و کیوتو، الهیات و ادیان ژاپنی تدریس می‌کند.

1. Falun Gong

2. Susan Palmer

3. Concordia

4. Dawson

5. Montreal Quebec

6. Ra'el's UFO Religion: Racing and Clon-ing in the Age of Apocalypse (Rutgers University Press)

7. Jesper Aa gaard Petersen

8. Copenhagen

9. The Encyclopedic Sourcebook of Satanism.

10. Syzygy

11. Martin Repp

12. Pure Land Studies of Ryukoku University (Kyoto)

13. Editor

14. Aum Shinrikyo

15. Aum

16. Doshisha

ای. بورک رچفورد جی آر^۱، استاد جامعه‌شناسی و ادیان در دانشگاه میدل بری^۲ در ورمنت^۳ است. وی طی بیست‌وهشت سال گذشته مشغول تحقیق درباره جنبش هرکریشنا بوده است. او مقالات زیادی را درباره این جنبش نوشته و کتاب دوم او درباره آیسکون^۴ در دست تألیف است.

جیمز ای. سانتوچی^۵ در بخش ادیان تطبیقی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتون^۶، به تدریس اشتغال دارد. استاد سانتوچی نویسنده کتاب‌های «جامعه عرفانی»^۷، «هنر هندو در جنوب و جنوب شرقی آسیا»^۸، «چکیده‌ای از ادبیات ودا»^۹ و یکی از نویسندگان کتاب «ادیان آمریکا»^{۱۰} (به همراه بنجامین هوبارد^{۱۱} و جان هاتفیلد^{۱۲}) است. وی ویراستار فصلنامه پژوهشی «تاریخ عرفانی»^{۱۳} از سال ۱۹۹۰ بوده است. به علاوه از سال ۱۹۹۳، مجموعه تک‌نگاری‌هایی در مقالات مناسبی تاریخ عرفانی داشته است.

دیانا جی. تومینیا^{۱۴} در رشته روان‌شناسی اجتماعی و قوم‌شناسی در دانشگاه یوسی‌اِیل^{۱۵} تحصیل کرده است و در حال حاضر، در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، شعبه ساکرامنتو^{۱۶} به تدریس جامعه‌شناسی اشتغال دارد. وی در کنار سایر موضوعات، آثاری را درباره جنبش‌های دینی جدید تاریخی و معاصر به چاپ رسانده است. آثار انتشاریافته او در این حوزه‌ها، از روان‌شناسی

1. E. Burke Rochford, Jr

2. Middlebury

3. Vermont

4. ISKCON

5. James A. Santucci

6. Fullerton

7. La societa' teosofica (1999)

8. Hindu Art in South and Southeast Asia (1987)

9. An Outline of Vedic Literature (1976)

10. America's Religions (1997)

11. Benjamin Hubbard

12. John Hatfield

13. Theosophical History

14. Diana G. Tumminia

15. UCLA

16. Sacramento

اجتماعی ادیانِ یوآف^۱ تا جنبش‌های هزاره‌گرای بومیان آمریکا، همچنین ادیان جدیدی همچون ام‌سیا^۲ و آیسکون^۳ گسترده است. استوارت ای. رایت^۴، معاون رئیس در [بخش] پژوهش‌ها و مطالعات تکمیلی و استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه لامار^۵ است. وی نویسنده کتاب «ترک کیش‌ها: پویایی روی‌گردانی» (جامعه‌ای برای مطالعات علمی دین، ۱۹۸۷)^۶ و ویرایشگر «آرماگدون در واکو»^۷ است. او بیش از سی مقاله یا فصل‌هایی از یک کتاب را در مجامع علمی به چاپ رسانده است و کارشناس و مشاور حقوقی بسیار شناخته‌شده‌ای به شمار می‌آید. پیرلویی‌جی زکاتلی^۸ در تورین^۹ به‌عنوان نایب رئیس مرکز مطالعات ادیان جدید^{۱۰} فعالیت دارد. وی نویسنده چندین مقاله و چهار کتاب درباره جنبش‌های دینی جدید و نهضت‌های باطنی‌گرای غربی است. او معاون سردبیر در اثر برجسته «دانشنامه ادیان» ال‌دیچی^{۱۱} بوده است.

1. UFO

2. MSIA

3. ISKCON

4. Stuart A. Wright

5. Lamar

6. Leaving Cults: The Dynamics of Defection (Society for the Scientific Study of Religion, 1987)

7. Armageddon in Waco (University of Chicago Press, 1995)

8. PierLuigi Zoccatelli

9. Turin

10. CESNUR

11. Enciclopedia delle religioni in Italia (Encyclopedia of Religion in Italy, Elledici, 2001).

مقدمه

جیمز آر. لوئیس و یسپراویور پترسون

حوزه جنبش‌های دینی جدید^۱ در زمان [وقوع] خودکشی‌های [واقعه] جانستون^۲ در سال ۱۹۸۷، نازل‌تر از یک تخصص در درون جامعه‌شناسی دین بود. [در آن زمان] تعدادی چند از افرادی که جامعه‌شناس هم نبودند (همچون گوردون ملتون^۳، تیموتی میلر^۴ و رابرت ال‌وود^۵) در این زمینه فعال بودند؛ اما زمان زیادی طول کشید تا آکادمی، جنبش‌های دینی جدید را به‌عنوان بخشی از مطالعات دینی بپذیرد. همان‌طور که در جای دیگری مطرح کرده‌ام (لوئیز^۶، ۲۰۰۴)، تنها پس از وقوع مجموعه‌ای از فجایع برجسته در دهه ۱۹۹۰، نظیر محاصره شاخه

1. New religious movements (NRM)

۲. Jonestown: نام غیررسمی فرقه‌ای است که به رهبری جیم جونز (Jim Jones) در سال ۱۹۷۸ در شمال غربی گویان و پس از کشته شدن ۹۱۸ نفر از اعضای یک معبد در محلی به همین نام بنیان نهاده شده است.

3. Gordon Melton
4. Timothy Miller
5. Robert Ellwood
6. Lewis

داوودیان^۱، قتل - خودکشی‌های [گروه] معبد خورشید^۲، واقعه اوم شین‌ریکیو و خودکشی‌های [گروه] «دروازه بهشت»^۳ بود که جریان اصلی مطالعات دینی، ادیان جدید را به‌راستی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی جدی^۴ پذیرفت.

حوزه جنبش‌های دینی جدید در زمان [نگارش] این نوشتار به‌گسترش خود ادامه می‌دهد. برخی از نشانه‌های این رشد عبارت‌اند از: وجاهت روزافزون جلسه‌های گروهی جنبش‌های دینی جدید در نشست‌های سالیانه آکادمی آمریکایی دین، تعداد رو به رشد انتشارات معتبر دانشگاهی در اینباره و ظهور جنبش‌های دینی جدید به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی شناخته‌شده در برنامه‌های آموزشی شماری از کشورهای اروپایی، به‌ویژه در بریتانیا^۵. افزون بر این، شمار روزافزونی از اعضای آکادمی جنبش‌های دینی جدید انشعاب به شاخه‌هایی تخصصی‌تر را شروع کرده‌اند. بنابراین اکنون با محققان خودمعرّف^۶ [جنبش] عصر جدید، متخصصان [حوزه] چندخدایی^۷، مورخان [مکاتب] بیگانه‌گرای^۸ غربی و نظایر آن مواجه هستیم. یکی از امتیازات این انشعابات تخصصی آن است که آن‌ها بر موضوع کمابیش مشخصی تمرکز می‌کنند؛ [اما] این امتیاز نمی‌تواند درباره حوزه جنبش‌های دینی جدید به‌طور کلی صادق باشد.

باآنکه حوزه جنبش‌های دینی جدید به جایگاه رشته تخصصی شناخته‌شده‌ای دست یافته، حوزه تخصصی منحصربه‌فردی است که برای تعیین اینکه کدام پدیده در محدوده آن قرار می‌گیرد، منطق درونی

۱. Branch Davidian: فرقه دیویدیان یکی از فرقه‌های دین مسیحی و منشعب از کلیسای ادونتست است. این فرقه در سال ۱۸۳۰ در آمریکا توسط فردی به نام ویلیام میلر پایه‌گذاری شد. اعتقاد به ظهور منجی از باورهای بنیادین این فرقه مسیحی است.

2. Solar Temple
3. Heaven's Gate
4. Legitimate
5. United Kingdom
6. Self-identified
7. Pagan
8. Esotericism

قانع‌کننده‌ای ندارد. به موازات رشد شاخه‌های تخصصی جنبش‌های دینی جدید، محور حوزه ذکر شده شامل ترکیبی از مطالعات ادیان مناقشه‌آمیز جدید به‌علاوه تحلیل «کیش^۱»های جنجالی است.

مطالعه جنبش‌های دینی جدید از بسیاری جهات مقوله‌ای مازاد است. گرچه عنوان «ادیان جدید» نشان از این دارد که تمام انواع ادیان نوظهور بخشی از این حوزه هستند، در عمل، متخصصان جنبش‌های دینی جدید تمایل دارند از بررسی جنبش‌هایی که پیش از این مورد توجه [پژوهشگران] سایر رشته‌های تخصصی علمی قرار گرفته بود، اجتناب کنند. [برای روشن شدن موضوع] چند نمونه ذکر می‌کنیم: [بررسی] جنبش پنطیکاستی‌ها^۲ به مورخان کلیسا و کیش باپرستی^۳ به انسان‌شناسان سپرده شد (لوئیز، ۲۰۰۴). پیش از آنکه ادیان جدید حوزه مطالعاتی منسجمی پیدا کنند، برای پرهیز از اینکه به ملغمه‌ای مرکب از تمام گروه‌ها تبدیل شوند، [به‌نحوی] که هیچ رشته تخصصی دیگری زحمت بررسی آن را به خود ندهد، موضوع [تعیین] حد و مرز آن فقط یکی از مسائلی است که ضرورت دارد بدان پرداخته شود. باوجود آنکه مطالعات جنبش‌های دینی جدید به‌عنوان بخشی موجه از [مطالعات] دانشگاهی پذیرفته شده و اهمیت پژوهش درباره آن روشن شده است، حوزه یادشده از بسیاری جهات از شاخه وسیع‌تر مطالعات دینی جدا مانده است. چنان‌که سوزان پالمر - از افراد سهیم در مجموعه حاضر - در مصاحبه اخیرش اذعان داشته است: «اگر به مطالعه در [حوزه] دین علاقه‌مندید، ... جنبش‌های دینی جدید برای شروع بسیار مناسب‌اند؛ تاریخ آن‌ها واقعاً کوتاه است، اعضای زیادی ندارند، اغلب رهبران‌شان هنوز در قید

1. Cult

۲. Pentacostalism: از جنبش‌های اسرارآمیز درون مسیحیت پروتستان که نامش مأخوذ از کلمه Pentecost یا عید پنجاهه است. پیروان این جنبش بر این باورند که آدمی می‌تواند توسط روح‌القدس تزکیه شود.

۳. Cargo cults: نام نوعی اعمال و شعائر دینی است که در میان بسیاری از جوامع قبیله‌ای سنتی مانند ملانزی و گینه نو در قرن نوزدهم تا بعد از جنگ جهانی دوم و دوران استعمار رایج بود و با هدف جلب نظر نیاکان برای دریافت کالا و ثروت از آن‌ها انجام می‌شد.

حیات‌اند و می‌توانید سیر تکامل آیین‌ها^۱ و آموزه‌هایشان^۲ را مشاهده کنید. [مطالعه یادشده] کمی شبیه تشریح آمیب به‌جای گورخر است.^۳ موضوع روشن است؛ بدین معنا که مطالعه ادیان جدید معاصر [از یک سو] می‌تواند به فهم ما از ادیان قدیمی‌تر غنای بیشتری ببخشد، از سوی دیگر حوزه مطالعات دینی به پرسش درباره منشأ دین بسیار علاقه‌مند است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد طبیعی است که بررسی شود آیا قواعد حاصل از این پژوهش می‌توانند بصیرتی نسبت به ظهور ادیان جدید معاصر به ارمغان آورند؟ گرچه به نظر می‌رسد کسی تاکنون وظیفه فوق را بر عهده نگرفته است.

حوزه جنبش‌های دینی جدید اغلب به واسطه مناقشه‌های حول وحوش مجموعه‌ای از تشکلهای دینی بسیار متنوع شکل گرفته است. به‌نحو معقول می‌توان استدلال کرد که تنها عامل مشترکی که آن‌ها را با هم پیوند می‌دهد، مناقشه‌آمیز بودنشان است؛ گرچه حتی این مناقشات ذی‌ربط بسیار متفاوت هستند. برای مثال، اعضای «اوم شین‌ریکیو» به‌نحو عجیبی به افراد بیرون از گروه خود حمله کردند. این عمل به پاسخ تند جامعه ژاپن منجر شد. در مقابل، شاخه «داوودیان» - که سال‌های زیادی همزیستی بسیار دوستانه‌ای با اطرافیان نشان داشتند - تنها پس از حمله عاملان دولت آمریکا دچار کشمکش شدند و در ماجرای کاملاً متفاوت دیگری، گروه «دروازه بهشت»^۴ پس از اقدام به خودکشی دسته‌جمعی، به تیتراول روزنامه‌های بین‌المللی تبدیل شدند.

باوجود این تفاوت‌های زیاد، بیشتر ادیان جدید مناقشه‌برانگیزتر به‌مثابه شکل‌دهنده پدیده‌ای عام تلقی شده‌اند و بر اساس کلیشه‌ای مشترک فهمیده می‌شوند که در مورد شمار زیادی از این قبیل ادیان به کار می‌رود. این عوامل [مشترک] به این موقعیت غیرمعمول منجر شده‌اند که محققان جنبش‌های

1. Rituals

2. Doctrines

3. Cited in Lester (2002)

۴. Heaven Gate: «دروازه بهشت» نام گروهی که به رهبری مارشال آپل وایت و بُنی نلس در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی در آمریکا بنیاد نهاده شد. این گروه از جمله هزاره‌گرایی بود که به نابودی قطعی جهان باور داشتند و برای نجات خود از آن و ورود به دنیای ماوراء دست به خودکشی گروهی زدند.

دینی جدید بتوانند بدون اینکه پا را از حد وظایف کارشناسی شان فراتر بگذارند، یک گروه مسیحی راست‌گیش^۱ از جهت الهیاتی مانند [گروه] «خانواده»، یک گروه هندو مانند جنبش «هار کریشنا»^۲، یک گروه چینی احیاگر سنت^۳ مانند «فالون‌گونگ»^۴ و غیره را مورد مطالعه قرار دهند. حال آنکه در فضاهای دیگر، دانشگاهیان فقط با داشتن زمینه‌های تخصصی در الهیات، هندوئیسم، ادیان چین و غیره به مطالعه جنبش‌های ذکرشده مبادرت می‌ورزند.

یک نتیجه دیگر در خصوص مناقشه «کیش» این است که هدف حوزه تخصصی جنبش‌های دینی جدید - به‌ویژه جنبش‌هایی که توجه رسانه‌های جمعی را به خود جلب کرده‌اند - این است که پیرامون مناقشه‌آمیزترین گروه‌ها تمرکز کند. بدین ترتیب جنبش کمابیش کوچکی همچون «خانواده»^۵، موضوع مقالات بی‌شمار و کتاب‌های متعددی واقع شد. در مقابل، دین جدیدی همچون «اکانکار»^۶ که آشکارا بزرگ‌تر است اما مناقشه بسیار کمتری دارد، هرگز موضوع حتی یک مقاله نشریه دانشگاهی قرار نگرفته است. هدف مجموعه حاضر، گرد آوردن مجموعه‌ای از مطالعات اساسی درباره گروه‌هایی است که بیشترین اقبال و توجه دانشگاهی را به خود جلب کرده‌اند.

مناقشه درباره ادیان جدید موضوع اجتماعی پیچیده‌ای است که بحث‌های احساسی و گاهی سطح پایین را به وجود آورده است. دهه تعارضات اجتماعی، تأثیرش را بر اصطلاح «کیش» گذاشته است؛ به نحوی که مطابق [نگاه] عموم جامعه، [این اصطلاح] نشان‌دهنده گروهی دینی است که اشتباه،

1. Orthodox

۲. Hare Krishna: «بیداری کریشنا»، جنبشی دینی که در سال ۱۹۶۶ توسط سوامی پراهوپادا (Swami Prabhupada) تأسیس شد. آموزه‌های آن مبتنی بر متون مقدس هندو مربوط به ۵۰۰۰ سال قبل است.

3. Neotraditional

۴. Falun Gong: گروهی در چین است که در سال ۱۹۹۲ میلادی توسط لی هنگجی بنیان‌گذار شده. محور آموزه‌های آن‌ها تأکید بر پالایش، پرورش و ترکیب بدن و ذهن بر مبنای سه اصل «حقیقت»، «نیک‌خواهی» و «بردباری» است.

5. Family

۶. Eckankar: فرقه‌ای عرفانی که پل تویچل در سال ۱۹۶۵ در آمریکا بنیان نهاد و در بیش از صدها کشور گسترده شد. پیروان این فرقه بر تجارب معنوی و شخصی هر کسی برای رسیدن به خدا تأکید دارند.

خطرناک یا حتی منفی به شمار می‌رود. شدت این مناقشه، به دو قطبی شدن ناظران چنین گروه‌هایی منجر و به موقعیت‌هایی افراط‌آمیز تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که یافتن مبنایی میانه را که از طریق آن بتوان به موضوع نزدیک شد، دشوار ساخته است. بدین ترتیب به‌جای آنکه مشکل را به‌طور مستقیم حل کنیم، احتمالاً باید تلاشمان را به این معطوف داریم که از میان روایت‌های دو گروه دینی مقابل که به دنبال روشن کردن بعضی از معضلات همراه با این مناقشه هستند، به‌طور غیرمستقیم به این بحث پردازیم.

روایت جنبش «بازآوری ده فرمان خدا» - گروهی اوگاندایی^۱ که توسط رهبران‌شان در سال ۲۰۰۰ قتل‌عام شدند- نمونه‌هایی را روایت می‌کند که موردتوجه «ضد کیش‌ها»^۲ است و مناقشه به همراه دارند.

بنیاد مسیحی آلامو - یک فعالیت مذهبی آمریکایی که به دنبال متوقف کردن عمل قانونی بوده است - مواردی را روایت می‌کند که موردتوجه آزادی‌خواهان دینی است.

وقتی دین به خطا می‌رود: جنبش «بازآوری ده فرمان»

جنبش «بازآوری ده فرمان خداوند» شاخه‌ای از دینی آخرالزمانی در اوگاندا بود که ابتدا در مارس ۲۰۰۰، پس از آنکه گمان شد خودکشی دسته‌جمعی [در آن به وقوع پیوسته] است، در صدر اخبار قرار گرفت. [در آن واقعه] تعداد اجساد که رسانه‌ها گزارش می‌دادند، روزبه‌روز افزایش می‌یافت؛ تا آنجا که تعداد [قربانی‌ها] از هزار نفر هم تجاوز کرد. در روز جمعه، ۱۷ مارس سال ۲۰۰۰، حدود ۵۳۰ نفر در آتشی که کلیسایشان را در کانونگوی^۳ اوگاندا احاطه کرده بود، جان‌شان را از دست دادند. پلیس اجساد بی‌شمار دیگری را در روزهای بعد از این فاجعه در مکان‌های متفاوت کشف کرد. به نظر می‌رسد این اجساد پیش‌تر به دستور رهبر [گروه] به‌صورت گروهی به قتل رسیده بودند.

1. Ugandan

2. Anticultists

3. kanungu

این جنبش توسط کشیشان طردشده کاتولیک رومی (جوزف کیبوتیر^۱، جوزف کاساپوراری^۲، جان کاماگارا^۳ و دومینیک کاتاریبابو^۴)، دو راهب طردشده کاتولیک رومی و یک روسپی سابق به نام کريدونا مرينده پایه‌گذاری شد. بیشتر اعضای گروه در اصل کاتولیک رومی بودند. این گروه تعلیم می‌داد که کلیسای کاتولیک به شدت نیازمند اصلاحات است. [در تعالیم آنان،] قوانین این گروه از طرف مریم مقدس با واسطه^۵ ام. راینده^۶ نازل می‌شد. رهبران این جنبش تعلیم می‌دادند که ده فرمان را باید به اهمیت نخستینش بازگرداند.

پیش از این فاجعه، بنا بر نقل قول‌ها، کیبوتیر^۷ ادعا داشت که گفت‌وگویی را میان عیسی مسیح [ع] و مریم مقدس شنیده است. [در آن گفت‌وگو،] مریم مقدس اظهار داشته است که جهان به پایان خواهد رسید، مگر آنکه بشر به دقت از ده فرمان پیروی کند. گروه در ابتدا باور داشت که جهان در روز ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۹، به پایان خواهد رسید. در طول سال ۱۹۹۹، اعضا به منظور مهیا شدن برای پایان جهان، یعنی زمانی که به بهشت منتقل خواهند شد، دارایی‌های را فروختند، احشامشان را ذبح کردند و یک هفته را عید گرفتند. زمانی که پایان جهان اتفاق نیفتاد، کیبوتیر تاریخ آن را به ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ تغییر داد. او دیرتر اظهار داشت که مریم عذرا در روز ۱۷ مارس ظاهر خواهد شد و مؤمنان را به بهشت خواهد برد؛ سپس جهان نابود خواهد شد و شش میلیارد انسان باقی مانده از میان خواهند رفت.

به نظر می‌رسد اعضا منتظر بودند که توسط مریم عذرا در ۱۷ مارس به بهشت منتقل شوند؛ همچنین انتظار داشتند که در همان زمان جهان به پایان خود برسد. آن‌ها چند حیوان را قربانی کردند، هفتاد جعبه لیموناد برای جشن

1. Joseph Kibweteere
2. Joseph Kasapurari
3. John Kamagara
4. Dominic Catharibabo
5. Credonia Mwerinde
6. M werinde
7. Kibweteere

۱۶ مارس سفارش دادند و پیشاپیش با دوستان و اقوامشان خداحافظی کردند. بیشتر مرگ‌ها در کانونگو، مرکز تجاری کوچکی در فاصله ۲۱۷ مایلی جنوب غربی کامپالا، پایتخت اوگاندا، رخ داد. گرچه تعدادی از منابع همچنان تأکید می‌کنند که اهالی منطقه دست به خودکشی زدند، باور عمومی حکایت از این دارد که رهبر گروه، جوزف کیبوتیر، با به دام انداختن افراد در کلیسا و برافروختن آتش، آن‌ها را به قتل رسانده است. پنجره‌های کلیسا تخته‌کوبی و درها توسط افراد داخل کلیسا قفل شده بودند. آن‌ها چند ساعت آواز خواندند. تعدادی از شاهدان بوی بنزین را در محوطه، وقوع انفجاری را که پیش از آتش‌سوزی و فریادهایی را از درون ساختمان گزارش کردند.

گزارش اولیه‌ای که هرگز تأیید نشد، [حاکمی از این بود که] اعضا بنزین و پارافین را پیش از انفجار به پوستشان زده بودند. بدین ترتیب دشوار است بفهمیم اگر پنجره‌ها و درهای کلیسا مسدود شده بودند، شاهدان چگونه توانستند نظاره‌گر این اقدامات باشند. اکنون تقریباً مسلم است که این فاجعه یک قتل‌عام جمعی و نه یک خودکشی دسته‌جمعی بوده است. این واقعیت که درهای کلیسا مسدود شده بودند، به نظر می‌رسد نشان‌دهنده این باشد که رهبر گروه می‌خواسته است تمام اعضا در کلیسا محبوس شوند تا تمام آن‌ها کشته شوند. کشف اجساد اضافی بر اعضایی که به قتل رسیده و در آبریزهای نزدیک کلیسا مخفی شده بودند، نظریه کشتار جمعی را تقویت می‌کند. همچنین کشف صدها قربانی کشته‌شده در مکان‌های دیگر نشان از کشتاری جمعی دارد.

به نظر می‌رسد قتل‌ها به خاطر پیشگویی عقیم‌مانده [مبنی بر پایان جهان] رخ داده باشد؛ [زیرا] زمانی که در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ جهان به پایان نرسید، تعدادی از اعضای این شاخه خواستار بازگشت اموال و دارایی‌شان شدند؛ این قضیه ممکن است به‌سهم خود به کشتارهای جمعی منجر شده باشد.

مرگ اعضای جنبش «بازآوری ده فرمان» بخشی از مجموعه حوادثِ درخور توجهی بود که ادیان غیرسنتی را دربرمی‌گرفت. سایر حوادث شامل موارد زیر هستند: قتل - خودکشی‌های جانستون (۱۹۷۸)، حمله‌ای تی‌اف /

افبی‌آی^۱ به اجتماع شاخهٔ جماعت دیویدیان (۱۹۹۳)، قتل - خودکشی‌های گروه معبد خورشید (در ۱۹۹۴، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷)، حمله با گاز سمی به متروی توکیو (۱۹۹۵) و خودکشی‌های گروه «دروازهٔ بهشت» (۱۹۹۷). به دنبال این وقایع، رسانه‌های جمعی در تلاش برای پی بردن به علت این رفتارهای درظاهر غیرعقلانی، به سراغ «کارشناسان کیش‌ها» رفتند. بیشتر این کارشناسان بر اساس مفهوم کنترل ذهن گروهی که به صورت محاوره‌ای با عنوان «شست‌وشوی مغزی» شناخته شده است، توضیحاتی را به عموم ارائه دادند. کارشناسان یادشده اظهار داشتند، زمانی که درمی‌یابیم رهبران خودبزرگ‌بین کیش توانایی کنترل روند فکری پیروانشان را دارند، [آنگاه دیگر] توضیح اعمال درظاهر دیوانه‌وار اعضای کیش دشوار نیست؛ [زیرا] اعضای چنین گروه‌هایی از آنجا که اراده‌شان را تسلیم رهبرشان کرده‌اند، تحت تأثیر کنترل ذهن، توانایی انجام دادن هر کاری را دارند.

بنا بر قول سخنگوی گروه‌های «ناظر کیش»، جامعهٔ ما متشکل از صدها و شاید هزاران گروه‌های کیش است که بسیاری از آن‌ها توانایی انجام دادن اعمال افراطی را دارند. فراتر از [برنامه] کنترل ذهن و انتساب انگیزه‌های شیطانی به رهبری، اتهامات متداولی علیه ادیان اقلیت وجود دارد که متأسفانه کافی است تا برجسب «کیش» به آن‌ها زده شود. [اتهامات ذکرشده] شامل فعالیت‌های عضوگیری گمراه‌کننده، سوءاستفادهٔ مالی و جنسی، محرومیت اعضا از خواب و غذا، صورت‌های متنوعی از فعالیت‌های غیرقانونی، کودک‌آزاری، سوءاستفادهٔ دینی و غیره هستند. به خاطر توجهی که رسانه‌های جمعی به این موضوع داشته‌اند، این کلیشه به‌طور گسترده‌ای در جامعهٔ معاصر مورد پذیرش قرار گرفته است.

گذشته از مفهوم مسئله‌دار شست‌وشوی مغزی گروهی، درحال حاضر گروه‌هایی هستند یا گروه‌هایی بوده‌اند که برخی از این اتهامات در موردشان بجا هست یا بجا بوده است؛ به‌ویژه آنکه کودکان در جوامع دینی محدودی

مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفتند. [همین‌طور] اعضای سازمان‌های خاصی از نظر مالی یا جنسی از سوی رهبران‌شان مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند. تعدادی از اقلیت‌های دینی قانون را در دسترس خودشان قرار می‌دادند و دست کم یک گروه، تازه‌واردان مستعد را آگاهانه و حساب‌شده فریب می‌داد؛ با مخفی کردن نظام‌مند هویتشان تا زمانی که حاضران در گروه به اعضای رسمی تبدیل شوند. بدین ترتیب، در کاربرد بدون تأمل کلیشه «کیش» در مورد هر گروه دینی که به نظر عجیب یا غیرعادی می‌آید، خطرات آشکاری وجود دارد. موقعیت ذکرشده شبیه به قضاوت کردن درباره یک نژاد یا گروه بر اساس تعمیم [رفتار] غیرقابل اعتمادترین اعضای آن گروه است. انواع مشکلاتی که می‌توانند به واسطه این قضاوت فوری ایجاد شوند - که جوامع دینی غیرمعمول باید صرفاً به این خاطر که اتهامات افراطی متوجه آن‌هاست، گناهکار شناخته شوند - به خوبی در حمله قانونی به بنیاد مسیحی آلامو نشان داده شده است.

زمانی که دین قربانی می‌شود: بنیاد مسیحی آلامو

بنیاد مسیحی آلامو یا کلیسای عید پنجاهه^۱ با آموزه‌هایی مشابه گروه مجالس خدا^۲، در سال ۱۹۶۹ در هالیوود کالیفرنیا توسط تونی^۳ و سوزان آلامو^۴ گشایش یافت. این بنیاد نیروی اولیه‌اش را از جنبش مسیح^۵ گرفت. در اوایل دهه ۱۹۷۰، بنیاد مسیحی آلامو مناقشه‌آمیز شد و به خاطر آنکه [پیوستن به آن] تغییر دین دادن بسیار خام لحاظ می‌شد، مورد انتقاد شدید قرار گرفت. اعضای کلیسای ذکرشده در خیابان‌های هالیوود، با دعوت از نوکیشان مستعد به [شرکت در] عبادت‌های عصرگاهی، فعال بودند. بیشتر نوکیشان جوان برای [شرکت در] جلسات تبشیری^۶ و [دریافت] وعده غذایی، با اتوبوس

1. Pentecostal church

۲. Assemblies of God: بزرگ‌ترین گروه پیروان عید پنجاهه مسیحی.

3. Tony

4. Susan Alamo

۵. Jesus Movement: جنبشی که در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ قرن بیستم میلادی در غرب آمریکا شکل گرفت و در اواخر دهه ۸۰ متوقف شد. پیروان این جنبش به دنبال احیای رفتار پاراسامنشانه مسیحیان نخستین بودند.

6. Evangelistic meeting

به اجتماع روستایی متعلق به بنیاد در ساوگاس^۱ برده می‌شدند. بسیاری از کسانی که تغییر کیش می‌دادند، در ساوگاس باقی می‌ماندند تا انجیل را فراگیرند و به کشیشان خارج از سلک روحانیت تبدیل شوند.

در سال ۱۹۷۶، پایگاه‌های کلیسا به آلمان^۲ [واقع در ایالت^۳ آرکانزاس^۳، مکانی که سوزان آلامو [در آنجا] بزرگ شده بود، انتقال یافتند و این مکان به اجتماعی متشکل از چند صد نفر تبدیل شد. در آنجا تأسیسات چاپ، یک مدرسه و یک پرستشگاه بزرگ دایر شد. هم‌زمان با گسترش بیشتر سازمان، کلیساهایی در مناطقی دیگر گشایش یافتند. کلیسا به‌صورت اجتماعی منظم، متشکل از افرادی درآمد که خود را وقف تبشیر کرده بودند. نوکیشانی که می‌خواستند تعالیم کلیسا را بیاموزند و در خدمات روحانی آن سهیم شوند، با پذیرفتن انتقال تمام دارایی‌های حقیقی‌شان به کلیسا، پیمان فقر^۴ می‌بستند. کلیسا [هم] در مقابل، ضروریات زندگی [شان] را تأمین می‌کرد. اعضا به‌صورت دوره‌ای به سفرهای تبشیری در اطراف ایالات متحده فرستاده می‌شدند. آن‌ها اغلب مراکز دیرینه کلیسا را پایگاه فعالیت‌هایشان قرار می‌دادند. اعمال عبادی به‌صورت روزانه در هر یک از مراکز کلیسا برپا و وعده‌های غذایی رایگان ارائه می‌شدند. در سال ۱۹۸۱ کلیسای میوزیک اسکواره^۵ به ثبت رسید. این کلیسا در سال ۱۹۸۲ جای بنیاد [مسیحی آلامو] را گرفت. در همین سال، سوزان آلامو بر اثر بیماری سرطان از دنیا رفت. کلیسا برای تأمین [مالی] خود و به‌عنوان بخشی از برنامه توان‌بخشی‌اش، چندین کسب‌وکار به راه انداخت. اعضا که بسیاری از آن‌ها پیش از این معتاد بودند، می‌توانستند در آنجا روند ورود مجدد به اجتماع را آغاز کنند. اما تعدادی از اعضای سابق ناراضی که بعدها با جنبش ضد کیش هم‌پیمان شدند، شکایت داشتند که باید دست‌کم تا موقعی که عضو [کلیسا]

1. Saugus

2. Alma

3. Arkansas

4. Vow of poverty

5. Music Square Church

هستند، به خاطر کارشان حقوقی، هرچند ناچیز، به آن‌ها پرداخت شود. این شکایت‌ها به یک سری از دعاوی حقوقی منجر شد. در سال ۱۹۸۵، مجتمع خدمات درآمدی، حکم معاف از مالیات کلیسای میوزیک اسکوار را لغو کرد. کلیسا نیز برای مبارزه با این حکم به دادگاه شکایت کرد.

در سال ۱۹۸۸، تونی آلامو گویا متهم شده بود به اینکه تلفنی دستور کتک زدن یک پسر یازده‌ساله را صادر کرده است. محور دعوا بر سر حضانت [این پسر بچه] بین مادرش (که یکی از اعضای خدمتگزار آلامو بود) و پدرش که کلیسا را ترک کرده و با [جنبش‌های ضد کیش] همراه شده بود، قرار داشت. اتهامات پرونده‌سازی شدند و آلامو ناپدید گشت. طی سه سال بعد، آلامو از حضور در دادگاه‌گریزان بود. در طول این زمان، او در اطراف کشور تغییر مکان می‌داد، اغلب در مصاحبه‌های تلویزیونی شرکت می‌کرد و حتی برای ملاقات‌ها به مراسم عمومی سر می‌زد. طی این دوره، اموال کلیسا در آرکانزاس ضبط شد تا [جریمه مورد نظر] رأی دادگاه علیه سازمان پرداخت شود. تونی آلامو در جولای ۱۹۹۱ بازداشت شد. [از این رو] وضعیت جاری کلیسا - که اعضای آن از تاریخ ۱۹۸۸ حدود چهارصد نفر شده بود - مشکل‌آفرین شد. مسئله به وجود آمده به خاطر چنین اقداماتی - نظیر اتهام حقوقی علیه بنیاد مسیحی آلامو - به ظهور دیدگاهی متفاوت منجر شد که با رویکرد «ضدیت با کیش» به مخالفت برمی‌خاست. این گروه‌های مخالف شامل گروه‌های متنوعی از ادیان، سازمان‌های آزادی دینی و تعدادی از پژوهشگران اقلیت‌های دینی بودند. درحالی‌که تلاشی برای دفاع از سازمان‌هایی همچون جنبش بازآوری ده فرمان صورت نمی‌گرفت، دیدگاه یادشده اظهار می‌کرد که اعمال افراطی تعداد اندکی از گروه‌ها نباید به‌عنوان نماینده تمام ادیان اقلیت لحاظ شود؛ همان‌طور که تمایلات مجرمانه تنی چند از اعضای اقلیت‌های نژادی خاص نباید به حساب تمام آن‌ها گذاشته شود. افراد همراه با این گروه مخالف، خودشان را به‌عنوان مدافعان آزادی دینی لحاظ می‌کنند. افراد و سازمان‌هایی که از اقلیت‌های دینی دفاع می‌کنند، به دلیل آنکه

کلمه «کیش» مفهومی منفی پیدا کرده است، خود را [از اعضای] «جنبش مدافع کیش» نمی خوانند؛ به علاوه برچسب «مدافعان کیش»^۱ را رد می کنند؛ برچسبی که «ضد کیش‌ها» تلاش می کنند تا آن‌ها را به وسیله آن بدنام کنند. در واقع این گروه مخالف، استفاده از اصطلاح «کیش» را یکسره رد می کند؛ به جای آن به چنین سازمان‌هایی با عنوان‌های جنبش‌های دینی جدید (برچسب مرجح در میان دانشگاهیان)، ادیان جایگزین، ادیان غیرسنتی یا اقلیت‌های دینی اشاره می شود. پژوهشگران با تأیید مسئله ساز بودن اصطلاح یادشده، معمولاً از [به کار بردن] اصطلاح «کیش» خودداری می کنند. در عین حال، صحبت کردن درباره «مناقشه کیش» همچنان مفید است و اصطلاح «کیش» در فرصتی مناسب می تواند به طور عام تر برای بحث از کلیشه و در ارتباط با اقلیت‌های دینی مورد استفاده قرار گیرد.

در مورد مناقشه کیش، همچون سایر تعارضات اجتماعی، مخالفان در وضعیت‌های افراطی به دو گروه مخالف تقسیم شده‌اند. تعداد زیادی از ضد کیش‌ها به پذیرش رویکردی شکاکانه نسبت به طیف وسیعی از ادیان رسیده‌اند که آماده‌اند تقریباً هر گروه غیرمعمول را به عنوان یک «دروازه بهشت» بالقوه و هر رهبر دینی کاریزماتیکی^۲ را به عنوان یک دیوید کورش^۳ بالقوه لحاظ کنند. از طرف دیگر، مدافعان حقوق اقلیت‌های دینی تمایل دارند که تمام مسائل به جز مسئله آزادی دینی را کم‌اهمیت نشان دهند. نتیجه این دودستگی، بحثی مکرر و اغلب تلخ است که به طور متناوب در کتاب‌ها، مقالات، موارد دادگاهی و در سال‌های اخیر، در گزارش‌های رسمی منتشر شده توسط دولت‌های اروپایی بروز و نمود پیدا کرده است.

می‌توان منشأ مناقشه‌های معاصر مربوط به کیش را در اوایل دهه ۱۹۷۰ پیدا کرد. در آن دوران، ادیان جدید زیادی از میان بقایای جریان ضد فرهنگی به وجود آمدند که جانشین جنبش‌های جوان دهه ۱۹۶۰ شدند. ناظرانی که

1. Cult apologists

2. Charismatic

3. David Koresh.

از درک جاذبه این ادیان ناتوان بودند، به این نتیجه رسیدند که پایه‌گذاران این گروه‌ها به شکل خاصی از کنترل اجتماعی دست یافته‌اند که آن‌ها را قادر ساخته است که با روش‌های غیرمعمول بر تعداد پیروانشان بیفزایند؛ و به‌خصوص بیشتر [از طریق] محبوس نگاه داشتن آنان در حالت‌های خاص خلسه و جذب، اذهان منطقی و پرسش‌گر آنان را دور بزنند. عده‌ای از متخصصان، [البته] بیشتر روان‌شناسان و روان‌پزشکان که به جنبش ضدیت با کیش پیوستند، می‌کوشیدند مبنایی علمی برای مفهوم شست‌وشوی مغزی یا کنترل ذهنی گروهی پیدا کنند.

هیچ نظاره‌گر صادقی مخالف این نیست که دست کم در مورد تعدادی از اقلیت‌های دینی، مواردی واقعی [از جمله] سوءاستفاده، بهره‌کشی و [اعمال] نفوذ نابجا وجود دارد. با این وجود، تقریباً از همان زمانی که بحث بر سر ادیان جدید بر مفهوم کنترل ذهن گروهی متمرکز شد، بحث‌ها و تحلیل‌هایی جدی از چنین سوءاستفاده‌هایی نیز در گرفت. متخصصان ضد کیش به‌جای آنکه فشارهای اجتماعی وارد بر اقلیت‌های دینی را به‌منزله رشد شکل متنوعی از تأثیرات اجتماعی در نظر بگیرند، درباره وجود شکل منحصر به فردی از تأثیرات [اجتماعی] بحث می‌کنند که به خرده‌فرهنگ‌های «کیش» محدود می‌شود. با ملاحظه این بحث به‌مثابه نوعی دفاع ویژه از پیامدهای بالقوه و مهم آزادی دینی، سایر متخصصان - به‌ویژه جامعه‌شناسان دین - پاسخ‌های علمی خود درباره مناقشه کیش را بر انتقاد از کنترل ذهن گروهی متمرکز کرده‌اند. [بدین ترتیب] در نیمه دهه هفتاد، بحث‌هایی جهت‌گیرانه شکل گرفت؛ بحث‌هایی که در چند دهه بعد شدت داشت و ادامه یافت.

ارزیابی محتوایی

هر یک از نویسندگان مجموعه حاضر، بررسی‌ای اجمالی از هر یک از سازمان‌ها یا جنبش‌ها به دست می‌دهند؛ اما این مجموعه فقط یک‌رشته مدخل‌های مبسوط دایره‌المعارف نیست؛ بلکه هر یک از نویسندگان تحلیلی ارائه کرده

است که سهمی مهم در بررسی گروه منتخبش دارد. فصل‌ها بر اساس سنت‌های دینی بزرگ‌تری که به آن‌ها تعلق دارند، به چهار بخش دسته‌بندی شده‌اند: [گروه‌های] سنت مسیحی؛ [گروه‌های] آسیایی یا الهام‌بخش از آسیا؛ [گروه‌های] عصر جدید و سَری؛ و سایر گروه‌ها و جنبش‌ها.

بخش نخست: گروه‌های درون سنت مسیحی

جیمز دی. چنسلور در مقاله «خانواده‌ای برای قرن بیست‌ویکم»^۱ نمایی کلی از [جنبش] فرزندان خداوند (کاگ)^۲ ارائه می‌دهد که اکنون با نام خانواده شناخته می‌شوند. کاگ از درون جنبش امت مسیح به‌صورت ترکیبی از مسیحیت سنتی انجیلی و جریان ضد فرهنگی دهه ۱۹۶۰ ظهور کرد. کاگ به‌سرعت به مناقشه‌آمیزترین گروه در چشم‌انداز دینی تبدیل شد. در تاریخ جنبش‌های ضد کیش به لحاظ تاریخی مهم است که اولین سازمان ضد کیش، فری کاگ^۳ (فرزندان خداوند را آزاد کنید) بود. سازمان یادشده با آموزش الگوی جدید رفتاری در برابر کاگ واکنش نشان داد. دی. چنسلور خلاصه‌ای از تاریخ جنبش را ارائه می‌کند، وقایع برجسته و عمده الهیاتی آن را نشان می‌دهد و به تغییرات زیادی که از زمان مرگ پایه‌گذار آن رخ داده است، توجه ویژه‌ای مبذول می‌دارد. مقاله «مکاشفه روح و کلیسای اتحادی»^۴ جیمز ای. بورلی بر نقش جاری مکاشفات واسطه روحانی^۵ در حیات کلیسای اتحادی تمرکز می‌کند. این فصل با رویکردی انتقادی نسبت به حوادث اخیر درون کلیسا و از جمله اعضای خانواده بنیان‌گذار آغاز می‌شود. بورلی اهمیتی را که جناب مون^۶ برای جایگاهش در تاریخ و عالم روح قائل است، بررسی می‌کند. این تصویر برجسته

1. A Family for the Twenty-first Century

2. Children of God (COG)

3. FREECOG

۴. Spirit Revelation and the Unification Church: کلیسای اتحادی فرقه‌ای است که توسط یک مهندس کره‌ای به نام سان میونگ مون پایه‌گذاری شد و هدفش اتحاد همه مسیحیان عالم است.

5. Mediumistic revelations

6. Reverend Moon

از جناب مون، از یک سو به خاطر موفقیت جنبش اتحادی در جذب رهبران دینی و سیاسی به کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های وی در سطح جهانی تقویت می‌شود؛ از سوی دیگر و شاید [تأیید] مهم‌تر این است که تنوع وسیعی از مکاتب اتحادگرا پیام‌هایی از رهبران دینی و سیاسی فوت‌شده دریافت کرده‌اند که در تمام آن‌ها پایه‌گذار کلیسا را به‌عنوان فردی روحانی و فضیلت‌مند ستایش می‌کردند؛ گویی فرد روحانی نقطه شروع تاریخ جهان است.

ریکا موراً در مقاله «بازسازی واقعیت: نظریه‌های توطئه درباره جانستون»^۲ نظریه‌های توطئه را بررسی می‌کند. این نظریه‌ها برای توضیح قتل - خودکشی‌های دسته‌جمعی اعضای «معبد مردم» شکل گرفته‌اند که در جانستون گویان در نوامبر ۱۹۷۸ واقع شده‌اند. این نظریه‌ها شامل مواردی هستند که توسط نظریه‌پردازان حرفه‌ای توطئه ارائه شده‌اند؛ کسانی که توطئه را در همه‌جا می‌بینند؛ تا مواردی که توسط غیرحرفه‌ای‌ها گسترش یافته‌اند و اغلب بر جانستون تمرکز می‌کنند. مور توضیح می‌دهد که نظریه‌های توطئه تلاش دارند آنچه را در نهایت بی‌معنی است، معنی‌دار کنند. چنین نظریه‌هایی جذاب‌اند؛ زیرا با وجود ترس و نگرانی که ایجاد می‌کنند، از آنجا که تردید و ابهام اخلاقی را از بین می‌برند، آرامش‌بخش نیز هستند.

استوارت ای. رایت^۳ در مقاله «توضیح نظام‌گیری در واکو»: برساخت و هم‌گرایی روایت جنگ»^۴ بررسی می‌کند که چگونه شاخه دیویدیان - یک گروه کوچک دینی در حومه تگزاس که منش مسالمت‌آمیزی در زندگی دنبال می‌کردند - مجدداً به‌عنوان جماعتی بسیار ستیزه‌جو لحاظ شدند که مهار

1. Rebecca Moore

۲. Reconstructing Reality: Conspiracy Theories about Jonestown. جانستون نام غیر رسمی فرقه‌ای است که به رهبری جیم جونز به سال ۱۹۷۸ در شمال غربی گویان و پس از کشته شدن ۹۱۸ نفر از اعضای یک معبد در محلی به همین نام بنیان نهاده شد.

3. Stuart A. Wright

۴. Waco: واکو محلی در تگزاس ایالات‌متحده است که در سال ۱۹۹۳ ده‌ها تن از اعضای فرقه پرستیان دیویدیان توسط نظامیان در آنجا سوزانده شدند. در این حادثه، رهبر این فرقه، دیوید کوروش، نیز به قتل رسید.

5. Explaining Militarization at Waco: The Construction and Convergence of the Warfare Narrative

کردنشان مستلزم عملیات [نظامی] عمده بود. کیش دیویدیان در نتیجه تلاش‌های مستمر اعضای سابق گروه و سایر گروه‌های ذی‌نفع، مورد توجه «سازمان الکل، دخانیات و سلاح‌های گرم» قرار گرفت و این قضیه به محاصره [آن‌ها] و در پی آن تراژدی خون‌باری منجر شد که در آن اکثر اعضا جانشان را از دست دادند. تحلیل‌های رایت بر «منطقی» متمرکز شده است که بر اساس آن وضعیت مذکور بسیار نظامی می‌شد.

بخش دوم: گروه‌های آسیایی و الهام‌بخش از آسیا

مقاله «گسترش خانواده و تغییر در جنبش هرکیشنا»^۱ به قلم ای. بورک رچفورد^۲ نقش زندگی خانوادگی را به‌منزله منشأ تغییر درون آیسکون^۳ بررسی می‌کند. نتایج بررسی کلی پرابهوپادا^۴ که در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵ صورت پذیرفت، نشان‌دهنده تغییر از ارزش‌های جمعی، سنتی و دینی به ارزش‌های خصوصی، دموکراتیک و سکولار است. زیربنای سازمانی اساساً به خاطر تغییر در [بافت] جمعیت و فعالیت‌های مناقشه‌آمیز ساختار رهبری سنتی، از مبنای اشتراکی به گردهمایی خانواده‌های هسته‌ای تبدیل شد که به‌سهم خود بر حیطه باورهای والدین و مشارکت سازمانی تأثیرگذار بود. بدین ترتیب آیسکون به خاطر چندپاره شدن رویکرد اجتماعی-دینی اعضایش مورد تهدید قرار گرفته است.

مقاله «زمانی که رهبران از میان می‌روند: بررسی تعارض و رکود در جنبش اوشو راجنیش»^۵ به قلم مارین گلدمن^۶ با پیگیری تغییرات و مناقشه‌های متعدد در ایالات متحده و هندوستان، تحلیلی تاریخی از جنبش راجنیش ارائه می‌دهد. با وجود مناقشه‌های زیاد - بیرونی و داخلی - و مرگ اوشو راجنیش

1. Family Development and Change in the Hare Krishna Movement.

2. E. Burke Rochford, Jr

3. ISKCON

4. Prabhupada

۵. Osho Rajneesh: اوشو (۱۹۳۱-۱۹۹۰) عارف هندی و تعلیم‌دیده حالات معنوی بود که شهرت جهانی یافت و بیش از ۶۰۰ کتاب و صداها سخنرانی بر جای گذاشت.

6. Marion S. Goldman's "When Leaders Dissolve: Considering Controversy and Stagnation in the Osho Rajneesh Movement"

در سال ۱۹۹۰، جنبش تثبیت شد و به حیاتش به‌عنوان سازمانی موفق (گرچه کوچک‌تر و بی‌سروصداتر) ادامه داد. گلدمن بر اساس تحلیل‌های خود با بررسی راهبردهای مؤثر در مواجهه با مناقشه به این نتایج می‌رسد: ۱. سرزنش، انتقاد و طرد افرادی معین در برخورد با مناقشه؛ ۲. نقل مکان کردن؛ ۳. انتخاب نام جدید؛ ۴. سازمان‌دهی مجدد؛ و ۵. تأکید مجدد بر آموزه «تقویت عمل» به جای «پیمان وفاداری» و درنهایت و احتمالاً مهم‌ترین مورد، تعریف دوباره موفقیت.

رابرت کیسالا^۱ در مقاله «سوکا گاکای^۲: در جست‌وجوی خط فکر اصلی»^۳، تاریخ بحث‌برانگیز بزرگ‌ترین جنبش دینی جدید در ژاپن را با بیش از هشت میلیون عضو در آن کشور و بیش از یک میلیون نفر خارج از ژاپن بازبینی می‌کند. [در این مقاله] سه منشأ تعارض ذکر شده است: فعالیت‌های خشونت‌بار در جذب نوکیشان سوکا گاکای، آرمان‌های سیاسی جنبش و رویکرد صلح‌طلبانه آن که با زندگی‌نامه بنیان‌گذارش و تفسیر انحصاری از میراث برگرفته از آموزگار بودایی یعنی نیچیرن^۴ در ارتباط است. قدرت سیاسی جنبش و فعالیت‌های تبلیغی نظامی‌گرانه‌اش که در طول جنگ جهانی دوم در تعارض با دولت ژاپن بود و نیز سنت بودائی وسیع‌تر نیچیرن، بیشترین سهم را در بدبینی مطبوعات و سوءظن عمومی به جنبش داشته‌اند. مقاله «اوم شین‌ریکیو^۵ و واقعه اوم: درآمدی انتقادی»^۶ متعلق به مارتین رپ^۷ ارزیابی روشمندی از اوم شین‌ریکیو و پیشرفت تاریخی آن دارد و شاکله عمده تحقیقی را ارائه می‌دهد که در مورد جنبش صورت گرفته است. تحلیل

1. Robert Kisala

۲. Soka Gakkai: یگ گروه مذهبی است که در چارچوب سنت بودائی می‌اندیشد. این فرقه با بیش از ۸ میلیون پیرو، امروزه مهم‌ترین فرقه مذهبی در ژاپن محسوب می‌شود.

3. Soka Gakkai: Searching for the Mainstream.

4. Nichiren

۵. Aum Shinriko: فرقه‌ای معنوی که در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ توسط آساهارا شوکو (Asahara Shoko) در توکیو ایجاد شد. تعالیم آن مبتنی بر یوگا بود و اعمال مجرمانه آن‌ها به اوم این سیدنت (Aum Incident) مشهور شده است.

6. Aum Shinrikyo and the Aum Incident: A Critical Introduction.

7. Martin Repp

اوم شین ریکیو یا آلپ^۱ - که امروزه با این نام خوانده می‌شود ناگزیر باید در ارتباط با [ماجرای] حمله با گاز سمی به سیستم متروی توکیو در ۱۹۹۵ فهم شود. این حمله و سایر اعمال جنایت‌کارانه با نام حادثه اوم شناخته شده‌اند. بحث رپ حول این مسئله قرار گرفته است که چگونه گروهی که زندگی را به‌صورت گروه یوگای صلح‌طلب آغاز کردند، به دین آخرالزمانی مکاشفه‌ای^۲ با قابلیت اعمال تروریستی تبدیل شد؟

دیوید اون‌بی^۳ در مقاله «فالون‌گونگ: یک جنبش دینی جدید در چین پسامائو»^۴ پیشینه تاریخی، پیشرفت‌های اخیر جنبش و سرکوب سلطه‌جویانه فالون‌گونگ توسط مراجع قدرت چینی را بازگو کرده است. فالون‌گونگ در اصل شکلی از جی‌گانگ^۵ است - که تفسیر ملی‌گرایانه و مادی‌گرایانه دیگری از روند درمان سنتی چینی است که از سوی دولت چین در دهه ۱۹۵۰ ایجاد شد و با تثبیت در جنبشی گروهی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رواج پیدا کرد - اما در جنبه‌های مهم خاصی به‌ویژه در سرسپردگی به رهبر کاریزماتیک و مکتوبات وی و در رویکرد آخرالزمانی و اهداف روحانی متفاوت است. فالون‌گونگ با انحراف از مسیر علمی و غیرسیاسی‌اش که از سوی دولت ترسیم شده بود، خود را در بیرون از مرزهای چین سوسیالیست قرار داد و بنابراین تحمل نشد.

پیر لوئیجی زوکاتلی^۶ در مقاله «جستاری در باب دین اومیست»^۷ توضیح می‌دهد که هویت اولیه هندویی اومیست که در ظاهر ترکیبی از مسیحیت، آیین بودا، آیین هندو، آیین جین، اسلام و یهودیت است، چگونه به خاطر اینکه بنیان‌گذار جنبش یعنی گیلبرت بوردین^۸ خود را مسیحایی جهانی معرفی

1. Aleph

2. Apocalyptic doomsday religion

3. David Ownby

4. The Falun Gong: A New Religious Movement in Post-Mao China

5. Gi gong

6. PierLuigi Zoccatelli

۷. Notes on the Aumist Religion: مذهب اومیست از سوی ژیلبرت بوردین فرانسوی (Gilbert Bourdin)، در سال ۱۹۲۳ پایه‌گذاری شد. نام این جنبش از کلمه شرقی Aum، مرتبط با فرقه اوم شین ریکیو در ژاپن گرفته شده است.

8. Gilbert Bourdin

می‌کرد، به نظریه‌ای عام تبدیل شد. اما این آمیزه‌گرایی^۱ واضح، نسبت به نقشی که سنن اسرارآمیز^۲ و رازورزانه^۳ در اومیسیت ایفا می‌کنند، کم‌اهمیت‌تر است و «ستون دومی» را ایجاد می‌کند که اومیسیت در آن به تدریج به‌مثابه سنتی مجزا شکل گرفته است. بر اساس سابقه بوردین^۴ در مطالعه [علوم] رازورزانه و برحسب پیشینه اکثریت اعضا، اومیسیت، هم از جنبه تاریخی و هم از جنبه جامعه‌شناسی، گروهی رازورزانه است که زوکاتلی آن را گونه‌ای بنیادین می‌داند که مجزا از جنبش‌های دینی و مربوط به کیش است.

بخش سوم: گروه‌های عصر جدید و سرّی

دورت رفسلاند کریستین سن^۵ در مقاله «ابداع ال. ران هوبارد: درباره پیدایش و دوام اسطوره سرگذشت قدیس گونه پایه‌گذار ساینٲولوژی»^۶ بررسی می‌کند که چگونه آثار و شخصیت هوبارد، تقریباً دو دهه بعد از مرگ وی، در محوریت کلیسای علم‌شناسی باقی مانده است. گام‌هایی که پیش و پس از مرگ هوبارد برداشته شد تا او را مرجع نهایی در کلیسا سازد، تا حدی عامل اطمینان‌بخشی شد که بر اساس آن سازمان ساینٲولوژی توانست از بحران بالقوه‌ای عبور کند که می‌توانست بر اثر مرگ هوبارد به وجود آید. کریستین سن در تحلیل خود بر راهبردهای متفاوتی تمرکز می‌کند که کلیسا بر اساس آن‌ها قدیس‌نگاری هوبارد را نوشته و حفظ کرده است و همچنان وی را به‌عنوان تنها مرجع مشروع دین ساینٲولوژی تأیید می‌کند. مقاله «انجمن عرفانی»^۷ جیمز ای. سانتوچی تاریخ و [روند] پیشرفت «انجمن عرفانی» و شاخه‌های فرعی آن را بررسی می‌کند. «انجمن عرفانی» در سال ۱۸۷۵

1. Syncretism

2. Occult

3. Esoteric

4. Bourdin

5. Dorthe Refslund Christensen

6. Inventing L. Ron Hubbard: On the Construction and Maintenance of the Hagiographic Mythology of Scientology's Founder

۷. The Theosophical Society: The Theosophical Society که در سال ۱۸۷۵، توسط هلنا پتروونا بلاواتسکی در نیویورک به وجود آمد.

در شهر نیویورک توسط گروه کوچکی از افرادی با علایق مشترک به امور روحانی و علوم غیبی^۱ پایه‌گذاری شد. مهم‌ترین افراد در میان آن‌ها سرهنگ هنری استیل الکوت^۲ و هلنا پتروونا بلاواتسکی^۳ بودند. عرفان، ایستا نیست؛ بلکه پیکره‌ای زنده از آموزه‌هایی است که گسترش یافته‌اند و در طول زمان بازتفسیر شده‌اند. سنت عرفانی مذکور نیز به شاخه‌های گوناگونی تقسیم شده است. تشکل‌هایی که در نهایت برگرفته از «انجمن عرفانی» هستند، شامل این موارد می‌شوند: معبد مردم، پایه‌گذاری شده توسط دکتر ویلیام اچ. دوئر^۴ و خانم فرانسیا لادو^۵؛ مکتب آرکین آلیس بایلی^۶، فعالیت دینی «من هستم» گای بالارد^۷؛ کلیسای جهانی و پیروز (پیش‌تر انجمن فانوس دریایی)، پایه‌گذاری شده توسط مارک پروفت^۸؛ و انجمن آسریوس^۹، پایه‌گذاری شده توسط جورج کینگ^{۱۰}.

جیمز آر. لوئیس در مقاله «گذرهای معبد خورشید: فراتر از فرضیه هزاره‌گرا»^{۱۱} طریقه «معبد خورشید»^{۱۲} را با تمرکز بر [دیدگاه] جوزف دی مامبرو^{۱۳}، پایه‌گذار اُ تی اس^{۱۴}، بررسی می‌کند. ویژگی‌های منحصر به فرد پایه‌گذار [کیش]، [کلیدهایی را برای فهم پایان مهیج «گذر» معبد خورشید به دست می‌دهد. آنگاه با تمرکز بر [دیدگاه] دی مامبرو به تحلیلی گسترده‌تر از سه کیش اولیه [اقدام‌کننده به] خودکشی یعنی معبد مردم، معبد خورشید

1. Occultism

2. Col. Henry Steel Olcott

3. Helena Petrovna Blavatsky

4. Dr. William H. Dower

5. Mrs. Francia LaDue

6. Alice Bailey's Arcane School

7. Guy Ballard

8. Mark Prophet

9. Aetherius Society

10. George King

11. The Solar Temple 'Transits': Beyond the Millennialist Hypothesis

۱۲. این فرقه در سال ۱۹۸۴ توسط جودی مامبرو (Jodi Mambro) پایه‌گذاری شد. آن‌ها در سوئیس و ایالات کبک کانادا ظاهر شدند. اصول اولیه اعتقادی آنان مبتنی بر افزایش روزافزون خودکشی، قتل و جنایت در جهان و لزوم ظهور یک منجی است.

13. Joseph Di Mambro

14. OTS

و «دروازه بهشت» می‌رسد که توسط دانشمندان معاصر ادیان جایگزین بررسی شده‌اند. لوئیس نشان می‌دهد، دو عاملی که معمولاً در بحث دربارهٔ خشونت‌های مرتبط با این آرام از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، یعنی هزاره‌گرایی و تحریک خارجی، آن‌طور که تحلیلگران پیشین ادعا کرده‌اند، برای فهم گروه‌های [اقدام‌کننده به] خودکشی محوریت ندارند. در عوض، سلامتی رو به افول رهبری به‌همراه ترکیبی از سایر ویژگی‌های خاص گروه‌های دینی تندرو^۲، برای پیش‌بینی دربارهٔ اینکه کدام گروه‌ها در معرض خودکشی هستند، عوامل بااهمیت‌تری به شمار می‌روند.

مقالهٔ «از اقیانوس اطلس تا آمریکا: رویارویی جی. زد. نایت با رامتا»^۳ متعلق به گیل ام. هارلی^۴ خط‌مشی را بررسی می‌کند که در اینجا با مثالی از مکتب روشنگری رامتا، به‌منزلهٔ فرصتی منحصربه‌فرد در دفاع از معنویت زنانه نشان داده می‌شود. جی. زد. نایت در موقعیت زانی قرار می‌گیرد که از رهبری کاریزماتیک برای ساختن پلی به سوی الوهیت استفاده می‌کنند؛ اچ. پی. بلاواتسکی^۵، اماکورتیز هاپکینز^۶ و ماری بیکر ادی^۷ به‌علاوهٔ هارلی^۸، التقاطی بودن مکتب رامتا را با استفاده از مذهب گنوسیسم و فیزیک کوانتوم و با تمرکز بر تحول شخصی موردتوجه قرار می‌دهند [و آن را] ذیل خرده‌فرهنگ متعلق به جنبش عصر جدید^۹ می‌نهند که خودش در تلاش برای [ایجاد] ساختار برابر -جنسیتی^{۱۰} است. درنهایت، تعارض جنسیتی در تحلیل تأیید جامعه نسبت به زانی به کار می‌رود که خدایی می‌کنند و طرف‌دار خدای درونی هستند.

1. NRM

2. Intensive religious groups

3. From Atlantis to America: JZ Knight Encounters Ramtha

4. Gail M. Harley

5. H. P. Blavatsky

6. Emma Curtis Hopkins

7. Mary Baker Eddy

8. Harley

9. New Age

10. Gender-equal

مقاله «قلب و روح: نگاهی کیفی به خوی گان جنبش آگاهی معنوی درونی»^۱ [نوشته] دینا جی. تومینیا^۲ است. این مقاله تعابیر و اعمال این جنبش (ام اس آی ا) را در قالب نظریه همگرایی^۴ و جامعه‌شناسی وبری^۵ در پرتو اجتماعی کردن هنجاری آن تحلیل می‌کند. گروه یادشده سازمانی آمیزه‌گرا^۶ است که به‌عنوان «دینی حوزوی»^۷ توصیف می‌شود؛ دینی که مسیحیت، اعمال سانت مت^۸ و فعالیت‌های رازورزانه موجود در گروه‌های دوره مدرن را ترکیب کرده است. جنبه مناقشه‌آمیز ام اس آی ا، [ناشی از] روابط نامناسب آن با اجتماع بزرگ‌تر است و چنین تحلیلی، تصویری داخلی و ارزیابی‌ای خارجی از گروه ارائه می‌دهد که به‌نحو غیرسودمندی با عنوان «کیش» معرفی شده است.

بخش چهارم: سایر گروه‌ها و جنبش‌ها

مقاله «برخیز و بیا، به تو نشان خواهم داد: دروازه بهشت به‌مثابه یک گروه پُست‌مدرن»^۹ نوشته جورج دی. چریسید^{۱۰} است. این مقاله جهان‌بینی «دروازه بهشت» را در ارتباط با مفهوم پُست‌مدرنیسم بررسی می‌کند. گروه یادشده بعد از خودکشی دسته‌جمعی ۱۹۹۷، به‌عنوان نمونه‌ای از «آیینی با‌گرایش‌های انتحاری» همچون گروه معبد مردم، شاخه دیویدیان و گروه معبد خورشید بحث‌برانگیز شد. چریسید با نگاهی دقیق‌تر به تفسیر مادی‌گرایانه افراطی از کتاب مکاشفات مارشال اپل‌وایت^{۱۱} و بونی نتلز^{۱۲} نشان می‌دهد که اعمال

1. Heart and Soul: A Qualitative Look at the Ethos of the Movement of Spiritual Inner Awareness

2. Diana G. Tumminia

3. MSIA (The Movement of Spiritual Inner Awareness)

4. Alignment theory

5. Weberian sociology

6. Syncretistic

7. Seminar religion

8. Sant Mat: سانت‌ها مجموعه سروده‌های دینی منطقه ماهاراش‌ترای هند است.

9. Come On Up, and I Will Show Thee: Heaven's Gate as a Postmodern Group

10. George D. Chrystides

11. Marshall Applewhite

12. Bonnie Nettles

صورت گرفته توسط گروه، در پرتو جهان‌بینی آن معنا دار می‌شوند. به‌علاوه [نشان می‌دهد که] استفاده منحصربه‌فرد گروه، از داستان علمی-تخیلی و مسیحیت به موازات ساختار معنا در جامعه‌ای پُست‌مدرن است.

سوزان پالمر در مقاله «جنبش راثیلیان: ایجاد تعارض، در جست‌وجوی مشروعیت اجتماعی»^۲ راهبرد هوشمندانه این جنبش را در جهت جلب توجه رسانه‌ها ارائه می‌کند. [وی می‌گوید] آن‌ها با ابراز «اهانت‌های» برنامه‌ریزی شده در راستای جهت‌گیری آشکار اجتماعی در فضای تبلیغاتی، همانند «عملیات کنترل باروری با کاندوم» در برابر مدارس کاتولیک و «اعلام شبیه‌سازی انسان به نام حوا»، تصویر جنبش را در اذهان عمومی مدیریت می‌کنند و اتهامات جدی‌تری را که اغلب متوجه جنبش‌های دینی جدید است، منحرف می‌سازند. بدین ترتیب، سطح خفیفی از تعارض فرهنگی شکل می‌گیرد تا در معرض دید [همگان] قرار گیرد و مشروعیت اجتماعی [جنبش] تقویت شود. این راهبرد به‌جز در بخش فرانسوی‌زبان اروپا، موفقیت‌آمیز بوده است. در آنجا آزار و اذیت جنبش‌های دینی جدید شدت دارد و می‌تواند برای بقای گروهی هزاره‌گرا با رهبری کاریزماتیک، مخرب باشد.

ماتیاس گاردل^۳ در مقاله «ادیان نژادپرست سفید در ایالات متحده: از هویت مسیحی تا مشرکان عصر گرگ»^۴ بررسی‌ای اجمالی و تاریخی از ادیان نژادپرست در آمریکای شمالی و نیز تحلیلی از پیشرفت آن‌ها ارائه می‌دهد. نژادپرستی دینی سفید [پوستان] فقط یک مرام نیست؛ بلکه گرایش‌های گوناگون بسیاری را نیز دربرمی‌گیرد که با مشارکت آنان در خرده‌فرهنگ قدرت سفیدپوستان پیوند خورده است. گاردل [در این مقاله] بر سه مقوله تمرکز می‌کند: مسیحیت (به‌طور خاص هویت نژادپرستانه، سوسیالیسم ملی - مذهبی و شرک نژادپرستانه. با آنکه شرک و الحاد در میان نژادپرستان جوان‌تر پیشرفت کرده است، جایگاه مسیحیت

1. Idiosyncratic

2. The Raelian Movement: Concocting Controversy, Seeking Social Legitimacy

3. Mattias Gardell

4. White Racist Religions in the United States: From Christian Identity to Wolf Age Pagans

در فرهنگ سنتی آمریکایی حاکی از آن است که بعید به نظر می‌رسد شرک نژادپرستانه به‌طور کامل جای این هویت را بگیرد.

مقاله «شیطان‌پرستی مدرن: آموزه‌های تاریک و شعله‌های سیاه»^۱ متعلق به یسپر اوپور پترسون^۲، با خلاصه‌ای تاریخی و جامعه‌شناختی از خرده‌فرهنگ (یا جنبش) شیطانی آغاز می‌شود و به‌منظور نظام‌مند کردن آن، با بحث دربارهٔ موضوعات، باورها و اعمال مرتبط ادامه می‌یابد. آنگاه به برخی گونه‌شناسی‌های رایج پرداخته می‌شود تا قالب تحلیلی عامی از ارجاعات به وجود آید و سخن‌گوها و گروه‌های مختلف معرفی می‌شوند تا منبعی از مطالب موجود فهرست شوند. در پایان، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده پیش‌رو گذاشته می‌شوند.

1. Modern Satanism: Dark Doctrines and Black Flames

2. Jesper Aagaard Petersen

Works cited

Lester, Toby. "Oh, Gods!" 2002. Atlantic Monthly 289.

Lewis, James R. 2003. Legitimizing New Religions. New Brunswick: Rutgers University Press

———. 2004. The Oxford Handbook of New Religious Movements. New York: Oxford University Press.

Robinson, Bruce A. 2000. "Movement for the Restoration of the Ten Commandments of God." Ontario Consultants for Religious Tolerance. [www .religioustolerance.org/dc_rest.html](http://www.religioustolerance.org/dc_rest.html).

Ross, Nancy. 2001. "The Tony Alamo Story." Holy Alamo Christian Church. [www .scvhistory.com/scvhistory/alamo-ross.html](http://www.scvhistory.com/scvhistory/alamo-ross.html).